وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
از همه باید حساب گرفت
ص۲

جهانی شدن و حقوق کیفری
ص٦

دوه مخی غولوونکی پالیسی
٦مخ

دور ششم سال اول شماره بیست وهفتم چهارشنبه ۳۱ ثور ۱۳۸۲ - ۲۰ ربیع الاول ۱٤۲٤ - 21 May 2003



استاد هنگام سخنرانی در جمع کثیری از مردم قندهار

گزارشی از سفر اخیر محترم استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان به ولایات جنوب وجنوب غرب کشور

گام به گام با رهبر در جهت تحکیم و حدت ملی

به تاریخ ۱۳ ثور ۱۳۸۲ (۳ می ۲۰۰۳) حوالی ساعت ۱۱:۵ استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت افغانستان و هیأت همراه شان بنابر تقاضای مکرر مسوولین اداری-نظامی و فرماندهان و مجاهدین ومردم ولایات جنوب و جنوب غرب کشور به وسیله، هواپیمای خط هوایی باختر،کابل را به قصد آن مناطق ترک گفتند.

در میدان هوایی بین المللی قندهار در حالیکه باد تند و گرمی می وزید، محتر م گل آقا شیر زوی والی قندهار، محترم خان محمد قوماندان قول اردوی نمبر ۲ ص۲

شورای امنیت دولت انتقالی اسلامی افغانسنان فیصله نمود:

حاکمیت مرکزی و قانون تحکیم یابد

شورای امنیت دولت انتقالی اسلامی افغانستان بتا ریخ ۳۰ ثور ۱۳۸۲ مصوبه ۱۳ فقره یی را تصویب و اعلام نمود

این مصوبه پس از نشست والیان کشور که هفته قبل به مرکز فراخوانده شدند تصویب و در معرض اجراء قرار میگیرد.

هدف از تصویب این سند تقویه نظام دولتی، بهبود وضع مالی و اداری، تامین امنیت بهتر، عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون خوانده شده است.

در این مصوبه از والیان و مسوولان و لایات خواسته شده است تا طبق قانون بودجه عواید حاصله از منا بع عایداتی کشور را از طریق مستوفیت ها وبانک ها شامل واردات دولت نمایند و از مصرف عواید بدون موجودیت تخصیص جداً خود داری نمایند.

این مصوبه حدود صلاحیت و عملکرد های والیان را مشخص گردانیده و هیچ یک از مسولان ملکی و نظامی نمی توانند همزمان در دو پست دولتی ایفای وظیفه نمایند. مسوولان ملکی و نظامی در ولایات کشور بدو ن استیذان مرکز نمی توانند به خارج سفر نمایند. همچنان آنها نمی توانند بدون استیذان و زارت دفاع ملی عملیات نظامی را انجام دهند.

این مصوبه حدود کاری مسوولان نظامی و ملکی را مشخص گردانیده هیچ یک از والیان و مسوولان نظامی ولایات نمی توانند در امور یکدیگر مداخله نمایند.

وزارت های مالیه بانک و سایر ادارات دولتی مکلف ساخته شده اند تا در تعیین و تقرر مستوفیان، روسای گمرک، رؤسای بانک ها و سایر موسسات با در نظر داشت اصل شایستگی، صداقت وتخصص اقدام نمایند.

در پایان این مصوبه والیان سیزده ولایت عمده کشور به خاطر تطبیق مواد مندرجه آن امضاء نموده اند. ص٥

ابوبکر سبزوار

کرزی و چشمه های عایدات دولت

سخنان روز یکشنبه، محترم حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در محفل میلاد پیامبر صلی الله علیه و سلم در تالار ستره محکمه یک بار دیگر ضرورت تحکیم قدرت دولت مرکزی را در این کشور جنگ زده برجسته ساخت. آقای کرزی با لحن احساساتی زبان به شکوه از والیان ولایاتی گشود که عواید گمرک های ولایات تحت فرمان خود را به تعبیر او مال شخصی خود می پندارند.

آقای کرزی گفت والیانی که چشمه های عایداتی کشور را در انحصار خود گرفته اند به سربازان و ماموران خود معاش می پردازند در حالی که دولت مرکزی قادر به پرداخت معاش ماموران ملکی و نظامی نیست. این مسأله موجب گردیده است تا عدالت اجتماعی در کشور تامین نگردد. تا زمانی که عدالت اجتماعی به میان نیامده است، تامین صلح ممکن و میسر نیست.

وی گفت که بر اساس آمار های دقیق عواید مجموعی گمرک های کشور سالانه به ششصد ملیون دلار بالغ می گردد در حالی که بودجه، عادی امسال کشور ما پنجصد و پنجاه ملیون دلار است.

کرزی با مطرح کردن این مساله انگشت روی نقطه، حساسی نهاد. مسألهٔ حاکمیت دولت مرکزی از دیر باز موضوع بحث محافل سیاسی در افغانستان بوده است و در قانون اساسی آینده، کشور نیز در راس موضوعات بحث برانگیز قرار دارد.این مسأله نه تنها به عدالت اجتماعی آن گونه که آقای کرزی به آن پرداخت بلکه با مسألهٔ نهایت حساس وحدت ملی در کشور نیز رابطه دارد و باید با آن به شکل منطقی و اصولی پرداخته شود.

دولت انتقالی اسلامی افغانستان دراین راستا به برداشتن گامهای اصولی ناگزیر است و به همین علت جلسه یی از والیان ولایات را در کابل فراخوده است تا به حل این مشکل بپردازد.

اگر به گذشته نگاه کنیم، از بدو تاسیس نظام جدید در افغانستان، چرخ های نظام اداری کشور با کمک های خارجی چرخیده است در حالی که چنین مخارجی را باید عواید دولت تامین نماید و کمک های خارجی برای بازسازی در زیر بنا ها و در بخش های که هرچند دیر ثمر است ولی در کارایی پروژه های زود ثمر ممد واقع می شود به مصرف برسد. ص ٥

درصفحات داخل می خوانید

له طالبانو سره دامریکایی مقاماتو تماس

دالحیات و رځپاڼه چي په لندن کي خپرېږي په خپلي ور ستي ګڼي کي لیکلي دي چي امریکایي مقاماتو د طالبانو له خینو جیګ پوړو کسانو لکه د دفاع له پخواني وزیر ملا عبیدالله سره غیر مستقیمه رابطه نیولي ده. ددغي ورځپاني په وینا دغه غیر مستقیمه رابطه د ځینو پاکستاني سر چینو لخوا تر سره شوي ده او مو خه یي دطالبانو دځینو منځ لار و هڅول دي تر څو د کرزي د حکومت ملاتړ و کړي ور ځپانه وائي طالبانو دغه غوبنتنه رد کړیده.

ځیني کار پوهان وائي: چي دامریکي دغه اقدام وروسته له هغي تر سره کیږي چي امریکا یي ځواکونه د طالبانو د پراخو بریدونو په مخ نیوي کي پاتي راغلي.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

از همه باید حساب گرفت

آقای حامد کرزی رئیس دولت در آغاز هفته، ۲۸ ثور در محفل گرامی داشت از میلاد پرمیمنت سرور آزادگان مصطفی صلی الله علیه و سلم که در ستره محکمه (دیوان عالی قضایی) بر گزار گردیده بود حضوریافت و برای نخستین بار به گونه یی بسیار آشکار روی چالشهایی جدی که حکومتش به آنها روبه رو ست انگشت نهاد و از جدی ترین آنها به گفتهٔ خودش خود سری برخی از والیان و تحویل ندادن در آمد های گمرکی به بانک مرکزی را نشان داد و این کار را مانعی بر سرراه تامین عدالت اجتماعی در افغانستان خواند و وحدت ملی بدون پرداختن به عدالت اجتماعی را بی مفهوم گفت.

در پی این سخنان آقای کرزی بود که والیان شماری از ولایات به کابل فراخوانده شدند و شورای امنیت دولت هم پس از بحثهای بسیار داغ در پیرامون این مسائل یک مصوبهء سیزده فقره یی را بیرون داد که در کل بر گفته های رئیس دولت در محفل میلاد ستر ه محکمه تأکید داشت.

به یقین فرمان بردن از دستور های حکومت مرکزی و پرداختن در آمد های گمرکی به آن از مسلمات یک حکومت مقتدر و از لوازم مهم ساختن یک جامعهء نیرومند است و بدون یک چنین کاری نمی توان بدین آرمانهای بلند دست یافت. هیچ کسی در برابر دارایی عامه و حقوق مردم افغانستان معافیت ندارد. واقعاً باید دولتمردان ما عادت کنند که در برابر ملت خویش پاسخ گوی باشند. کسانی که مال و دارایی عامه را به گونهٔ مایملک خویش در خدمت مقاصد شخصی خود می گمارند بی تردید قابل محاسبه و نکوهش هستند. اما دراین باره باید توجه کرد تفاوتی میان بهره گرفتن از در آمدهای گمرکی و دستبرد زدن به سرمایه های آمده به تکدی وجود ندارد و نیز نباید همگان را رجماً بالغیب یکسان متهم به دستبرد دارایی های عامه نمود.

این کاری است که باید پس از یک بررسی دقیق انجام شود. به گونهء مثال بسیار بی انصافی است که ما نتوانیم دست آوردهای بسیار بز گ امیر اسماعیل خان را در عرصهٔ بازسازی و خدمتگزاری به مردم در ساحات تحت فرمانش نبینیم و اورا با دیگران که ثروت و دارایی عامه را به تعبیر رئیس دولت مال خود تلقی می کنند برابر بدانیم.

این درست است که این کارها باید در زیر یک برنامهء فراگیر بازسازی به گونهء یک سان و متعادل در همهء ساحات افغانستان همزمان انجام شود واین کاری است که باید حکومت آقای کرزی بدان می پرداخت و برای این کار اگر چشمه های در آمد داخلی را به سخن خود شان در اختیار نداشت چشمه های کمکهای خارجی را باید در دست می گرفت و آنها رت به گونه یی به کار می بست که وحدت ملی و عدالت اجتماعی در آن تبلور می یافت. باید صادقانه اعتراف کنیم که حکومت لقای کرزی تاکنون نه تنها نتوانسته است برنامه های فراگیر ملی را در زمینه بازسازی به راه اندازد بلکه از تأمین حقوق آبرومندانه ماهوار کارمندان دولت نیز عاجز مانده است. اما در زمینهء تأمین عدالت اجتماعی تفاوت بسیار چشمگیر میان حقوق و در یافتهای اعضای کابینه و شماری به اصطلاح متخصصان چنان آشکار است که به آسانی نمی توان این باور را در اذهان مردم دگرگون کرد. از سوی دیگر این همه ناتوانیهای حکومت را نمی شود به حساب به اصطلاح خود سری چندوالی و نپرداختن در آمدهای گمرکی آنان گرفت. آیا می توان ترمیم نشدن جاده های شهر کابل و هزینهٔ بسیار هنگفت تجملات اعضای بلند پایهٔ حکومت را هم به این عامل بسته دانست؟!

اینها همه نیازمند آن است که حکومت آقای کرزی در بارهٔ برنامه های خود به گونهٔ واقعبینانه بازبینی کند و بداند که تنها ابراز سخنان عاطفی در بارهٔ مسائل جدی کار ساز نیست.

تقویت حکومت مرکزی و بازگرداندن والیان به مزر صلاحیتهای حقوقی آنان کار ناگزیر ی دیگر است که حکومت آقای کرزی و همهء مردم مسؤولند بدان بپردازند ولی باید دراین باره نیز دقت شود تا به جای تقویت حکومت مرکزی و جلوگیری از فرار ازمرکز زمینهء بحرانی تازه فراهم نیاید. این سخن به مفهوم جانب داری از مسامحه کردن با زورگویان و از مرکز گریزان نیست بلکه به این مفهوم است که میان از مرکز گریزی و خود سری ومیان کار کردن و عرق ریختن برای همهء افغانستان در یک گوشهٔ آن باید فرق قایل شد. باید خدمتگزاران را سپاس گفت و متمردان را توبیخ کرد. افزون برهمهء اینها به مسایل باید به گونه یی به خورد صورت گیرد که به جای نتایج مطلوب فرایندی با ژگون به بارنیاورد.

گام به گام با رهبر...

*محترم اکرم خان قوماندان امنیه و شاروال قندهار و مسئوولان اداری – نظامی و هزاران باشندهء قندهار و دوستداران رهبر جهاد و مقاومت صف بسته بودند و ورود شان را با کف زدن ها و سر دادن نعره های تکبیر به این سرزمین باستانی و تاریخی خیر مقدم گفتند. جناب استاد در حالی که موتر حامل شان توسط یک دسته موتر های مخصوص سکورت می گردید دریک گردهمایی تشریف بردند که هزاران نفر از ساعت ها ورود رهبر شانرا د آن لحظه شماری داشتند شرکت ورزیدند.

ابتدا گل آقا شیرزوی والی قندهار به نماینده گی از مردم و مسوولین اداری- نظامی این ولایت تشریف آوری رهبر جهاد و مقاومت و هیأت همراه شان را به فال نیک گرفته گفتند : استاد گرامی! خوش آمدید ، قندهار خانه ماست. وقت آن است که تمام مردم اگر تاجیک است یا پشتون، و چه هزاره اند یا ازبیک باید در کنار یکدیگر باشند؛ چون تمام افغانها علیه تروریزم مبارزه کرده اند. طالبانی که فریب خورده اند به فتوای دیگران علیه مردم و دولت انتقالی می جنگند.

پس مولوی غلام محمد به نماینده گی از علما و بزرگان ولایت قندهار به رسم مهمانوازی چنین گفت : گرانه استاذه! په خیر راغلی، هرکله راشی ، خدای دی راو له. این جملاتی است که قندهاری ها آنرا نثار عزیزترین مهمانان شان می نمایند. وی همچنان به ادامه سخنان خویش گفت: استاد از این سفر شما دوستان و طرفداران وحدت ملی افغانستان خرسند و دشمنان کشور خفه و خشمگین شده اند. شما رهبر جهاد و مقاومت ملی افغانستان بوده اید و از این که همیشه با رهنمایی های آگاهانه و استادانه خویش کرزی صاحب را رهنمایی کرده اید ، تشکر می نماییم.

پس از آن استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت و رئیس جمهورپیشین افغانستان ضمن سپاس از پذیرایی گرم و صمیمانه والی ، مسوولین و اهالی شریف و مسلمان قندهار فرمودند : این سفر من سفر غیر رسمی و سیاسی است و هدف اصلی آنرا تحکیم وحدت ملی در سراسر کشور تشکیل می دهد. چون همه می دانیم که دراثر فتنه ها و توطئه های خارجی و ظهور گروه طالبان ، وحدت ملی ما خدشه دار شده بود و دشمنان افغانستان چنان ذهنیتی را ایجاد کرده بودند که گویا جنگ بین شمال و جنوب کشور بود و پس از این درگیری ها، نزدیکی و اتحاد مردم افغانستان مجدداً امکان ندارد. بنا برای خنثی کردن این توطئه ها و تبلیغات و استحکام دولت مرکزی در افغانستان ، من در مشوره با سایر برادران تصمیم به این سفرگرفتم.

جناب استاد ضمن بر شمردن عوامل اصلی بحران در کشور بعد از پیروزی مجاهدین گفت : فتنه های زیادی از خارج کشور سازماندهی می گردید تا جلوی استقرار نظام اسلامی و تامین ثبات در کشور را بگیرند. جبهه متحد ملی و اسلامی افغانستان که مجموعه ای از تمام مجاهدین کشور از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور را احتوا می کرد، قبل از ورود مجدد به شهر کابل مصمم بود تا برای رفع بحران و تحکیم


استاد با والی هلمند هنگام دیدار ازفابریکه حجاری ونجاری هلمند


استاد در میان استقبال کننده گان

صلح و ثبات در کشور باید انتقال قدرت نماید. اما به چه کسی ؟ من با خود فیصله نمودم که در چنین مقطع باید به مردم افغانستان و جهانیان ثابت نماییم که جهاد و مقاومت ما صرف برای آزادی، سربلندی و حفظ تمامیت ارضی کشور بود نه برای حفظ اقتدار و چوکی و هم تا ثابت نموده باشیم که بین اقوام برادر کشور مشکلی نیست. بنا لازم دیدم تا باید قدرت به یک برادر قندهاری که پایگاه اصلی قدرت طالبان معرفی شده بود، انتقال شود.

همچنان زمانی که بابای ملت به وطن بازگشت نمود با هم روی تحکیم وحدت ملی و تشکیل دولت قوی مرکزی صحبت نمودیم و موافقه شد تا همه شخصیت های موثر و جریانهای مطرح در این راه با هم تشریک مساعی نمایند.

رهبر جهاد و مقاومت ملی افغانستان در ادامه صحبت ها خویش فرمودند قندهاری ها که مردم با رسوخ و صاحب افتخارات بزرگ تاریخی اند، مسوولیت بزرگی در جهت تحکیم وحدت ملی کشور نیز دارند. وی ضمن دعا به روح احمدشاه بابا و سایر شهدا، از تلاش هایش برای تحکیم وحدت ملی به خوبی و قدردانی یاد کرده فرمودند : قرارگاه اولی خرقه مبارک بدخشان بود و جای گاه دومی آن قندهار است. در انتقال خرقه مبارک به قندهار این حکمت نهفته است که همه مردم از شمال تا جنوب زیر این خرقه مبارک با هم متحد ند.

جناب استاد در خاتمه سخنان خود خطاب به حاضران گردهمایی گفتند : کار اولی ما و شما ملت سازی است و ملت سازی بدون وحدت ملی میسر نیست. دولت سازی و بازسازی قدم های بعدی می باشد. آغاز بازسازی در قندهار نشانگر آن است که مجاهدان در دو سنگر جهاد و مقاومت و سازند گی قهرمان هستند.

یکتن از بزرگان هلمند هنگام دیدار با استاد چنان غرق احساس گشته بود که می خواست همه هستی اش را در پای استاد نثار کند. ۵۰۰ جریب زمین آبی و ٤۰ قلبه گاو زراعتی را میخواست به استاد هدیه کند اما همه آنها را شایسته مقام والای استاد ندانسته با خود تصمیم گرفت تا دو فرزند دلبندش رابه استاد هدیه کند که چنین کرد.

در خاتمه معاون ولایت قندهار با سرودن این شعر ، ختم مجلس را اعلان نمود:

خوش آمدی که خوش آمد مرا خوش امدنت
هزار جان گرامی فدای هر قدمت

بعدا جناب استاد و هیأت همراه شان در ضیافتی اشتراک نمودند که به افتخارآنان از طرف والی قندهار ترتیب یافته بود.

جناب استاد بعدا گروه های مختلف قومی را به صورت جداگانه به حضوز پذیرفتند و پیرامون هدف سفر و ضرورت هماهنگی و همکاری بیشتر در روند تقویهء وحدت ملی و تامین امنیت و بازسازی کشور بحث و تبادل نظر نمودند.

پس از ادای نماز شام که به امامت شان ادا گردید، در محفلی اشتراک نمودند که نماینده گان اقوام و اقشار مختلف قندهار در آن اشتراک ورزیده بودند. ابتدا والی کندهار آقای گل آقا شیرزوی صحبت نمود و یکباز دیگر تشریف آوری رهبر جهاد و مقاومت ملی را خوش آمدید گفت و ابراز اطمینان نمود که این سفر در جهت رفع سوء تفاهمات و تقویهء روحیه وحدت ملی موثر تمام خواهد شد.

بعدا محترم الحاج دوست محمدیکتن ازباشندگان ولایت پکتیا گفت : افغانستان وطن همه افغانها ست. این قدم استاد گرامی برای تحکیم وحدت ملی بسیار مفید است . اگر افرادی چون استاد ربانی و مسعود شهید و کرزی در افغانستان نمی بودند این کشور از صحنه محو می گردید. طالبان اسلام را بد نام کردند و بر مردم ظلم نمودند. آن ها از عفو رهبران مجاهدین و محترم کرزی صاحب استفاده درست نکردند.

پس برادر جوان آقای کرزی ، محترم ولی کرزی گفت : همان طوری که نقش استاد در زمان جهاد مثبت بود، آمدن ایشان به قندهار در جهت تحکیم وحدت ملی نیز قدم موثر می باشد. در طی چند سال اخیر رفت و آمد بین قندهار و شمال کشور نا ممکن به نظر می رسید که الحمد الله طی این سفر امروز این زمینه مهیا گردیده است.

نماینده والی ارزگان نیز در رابطه به این موضوع صحبت نموده گفت: هیچکس نمیتواند بین افغانها فرق قایل شود. استاد باید از ولایت ارزگان نیز دیدن نمایند چون مردم و مجاهدین چنین آرزویی را دارند. وی ضمن تقبیح حمله ناجوانمردانهء بر اعضای خانواده والی قندهار ، از دولت افغانستان تقاضا نمود تا رسما استرداد سران طالبان را نماید.

پس جناب استاد ربانی صحبت نمودند ضمن مخاطب قرار دادن حاضران مجلس فرمودند : برادران این سفر من سیاسی نیست بلکه یک سفر ملی در جهت تقویه وحدت ملی است. من از شما دعوت می نمایم تا هیأت های خویش را به شمال کشور بفرستید . بزرگان با هم بنشینند و تبلیغات غلطی را که دشمنان این کشور به نام شمال و جنوب به راه انداخته اند، خنثی نمایند. البته در این ارتباط تامین امنیت و نقش

ص۳

گام به گام با رهبر...

شخصیت های کلیدی و موثر چون شاه سابق بسیار ارزنده و مهم است. تمام امور را به دولت نگذاریم باید در هر ولایت مراکز ملی برای از بین بردن مشکلات و سوء تفاهمات ایجاد گردد. ضیافت شب از طرف آقای ولی کرزی به افتخار مهمانان ترتیب یافته بود.

صبح روز یک شنبه ۱۴ ثور ۱۳۸۱ جناب استاد ربانی در حالی که از طرف والی وقوماندان قول اردو وقوماندان امنیه و شاروال و بزرگان و سران اقوام مختلف ولایت قند هار همراهی می گردیدند، ابتدا برای ارج گذاری به خدمات ارزنده مرحوم عبدالاحد خان کرزی پدر آقای حامد کرزی رئیس اداره انتقالی اسلامی افغانستان در جهت تحکیم وحدت ملی به مقبره آن شهید رفتند و در حق شان دعای خیر نمودند. همچنان جهت ادای احترام و دعا به روح مرحوم پدر محترم گل آقا شیرزوی والی قندهار و سایر شهدای راه آزادی کشور تشریف بردند. بعدا به زیارت خرقه مبارک مشرف شدند و در جمع صد ها نفر حاضر در صحنه برای تحکیم ثبات و امنیت و وحدت ملی کشور به بارگاه حق دعا کردند و به مردم مظلوم و عذاب دیده کشور پیروزی و آرامی آرزو نمودند.

همچنان جناب استاد و هیأت همراه شان به زیارت مقبره احمدشاه بابا که در عقب خرقه مبارک قرار دارد رفتند و به روح این فاتح اسلام و جهانکشای دلیر افغان دعا خیر نموده و طلب مغفرت نمودند.پس از آن در محفلی که در مسجد جامع خرقه مبارک ترتیب یافته بود ، اشتراک نمودند.

ابتدا اکرم خان قوماندان امنیه ضمن خوش آمدید گفتن مجدد به جناب استاد و هیأت همراه شان، گفت: هر کشور مشخصات خاص فرهنگی و اخلاقی و دینی خود را دارد. مشخصات کشور افغانستان دوتا است :

افغانستان یک کشور اسلامی است

افغانستان یک کشورچند قومی است

وی ضمن برشمردن اهداف و دستاورد های جهاد مقدس مردم افغانستان گفت : در حالی که ما نه اسلحه قوی و نه تعلیمات منظم نظامی داشتیم ، پس شکست بیگانگان از چی بوده است ؟ آقای اکرم خان در پاسخ به این پرسش دو عامل را یاد کرد: اعتقاد دینی و وحدت ملی.

وی همچنان گفت که حرکت مجاهدین افغانستان به برکت این رهبران معظم پیش برده شد و پیروز گردید. استاد سمبول وحدت ملی ماست که همه مردم از بدخشان تا قندهار را چون فرزندخود می دانند. در جبهه مقاومت به رهبری ایشان همه مردم افغانستان از اقوام مختلف حضور داشتند و برای دفاع از کشور شان دور هم جمع شده بودند.

بعدا جناب استاد درسخنان عالمانه شان خطاب به حاضران مجلس گفتند : قندهار در تاریخ کشور جای بس مهم دارد . این جا محل خرقه مبارک و آرامگاه احمدشاه بابا و میروس نیکه است. این شهری است که در جریان تجاوز روسها در هر کوچه و ده آن سنگر غازیان و یا مقبره شهیدان قرار دارد . مرد و زن پیر و جوان آن برای سربلندی اسلام و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور از جان و مال و اولاد خود گذشتند. قندهار همیشه مرکز وحدت ملی کشور بوده است و اکنون مسوولیت بزرگی نیز در قبال حفظ آن دارد. جناب استاد در ادامه سخنان شان به چند نکته زیر اشاره کردند.

اسلام و قواعد پشتون والی با هم نزدیک است. قواعد پشتونوالی نیز مردم را به آزادگی و وحدت دعوت می نماید. چنانچه خوشحال ختک گفته است:

دافغان په ننگ می وترله توره ننگیالی دزمانی خوشحال ختک یم

هویت ملی ما هویت دینی است و پایه وحدت ملی ما را اسلام تشکیل می دهد.

همه باید در جهت استحکام دولت مرکزی خویش تلاش ورزیم. آقای کرزی یک مجاهد است. من به وی اطمینان داده ام که هر آنچه در جهت استحکام دولت مرکزی ممد واقع گردد ، دریغ نخواهم کرد. چون من معتقدم که این التزام تنها به رئیس دولت نه بلکه برای خودم و برای همه مردم نیز مفید و حیاتی است.

توصیهء من به مجاهدین به حیث قهرمانان جهاد و مقاومت این است تا بعد از این در جهت بازسازی کشور ویران شان با هم رقابت کنند و منتظر کمک های بیرونی ننشینند. جا دارد موفقیت های والی صاحب قندهار در جهت بازسازی به همه شما تبریک بگویم چون با وجود کمبودی ها وضع بازسازی در این جا بهتر از کابل است.

بعداً محترم گل آغا شیرزوی والی قندهار ضمن صحبت های خویش گفت : به استاد محترم اطمینان می دهیم که ارشادات و رهنمایی های شانرا در مورد تحکیم وحدت ملی و بازسازی افغانستان عملی نماییم . امروز خوشبختانه همه ما تحت قیادت کرزی صاحب زیر لوای وحدت ملی و صلح زندگی می کنیم .

موصوف ضمن اشاره به وضع جاری کشور به خصوص وضع امنیتی قندهار گفت : کسانی که به نام طالبان علیه این دولت فتوا می دهند و یا شب نامه ها را پخش می نمایند ، با مردم افغانستان دشمنی می نمایند . این ادعا ها و فتوا های آنها را که گویا این دولت شرعی نیست، علمای ما قبول ندارند . این کار



دیدار استاد با قوماندانان و افسران قول اردوی نمبر ۲ قندهار

علمای بیرونی است که می خواهند طالبان و علمای ما را استعمال نمایند . آقای شیرزوی همچنان از همه مردم خواست تا گذشته ها را فراموش کنند و برای بازسازی کشور شان در کنار هم قرار گیرند و اشتباهات گذشته را تکرار ننمایند .

بعداً شاروال قندهار ضمن سخنانی گفتند : تحت قیادت جناب آقای کرزی گلیم بی اتفاقی از کشورجمع شده و وحدت ملی در کشور بازگشته است . آن نسخه پلیدی که می خواست افغانستان را به نام شمال و جنوب تقسیم نماید ، خلاف آرزوی ما بود و باطل شده است. هر درخت باغهای شمالی که توسط





هنگام دیدار با بزرگان ولایت هلمند

طالبان ازبین می رفت ، در واقع تیری بود که برقلب یک پشتون فرو می رفت . طالبان از پشتونها نمایندگی نه می کردند . شاروال قندهار همچنان از رهبر جهاد و مقاومت خواهش کرد که پیامهای دوستی شان را به تمام هموطنان در نقاط مختلف کشور برساندند و اطمینان دهند که بین افغانها بعد از این کسی درز ایجاد کرده نمی تواند .

محفل با دعائیه یی برای خیر و فلاح مردم کشور به پایان رسید .

رهبر جهاد و مقاومت ملی در حالی که از طرف والی و مسوولان نظامی – اداری ولایت قندهار همراهی می گردید ، برای دیدن پروسهٔ بازسازی در شهر قندهار، به ارگ احمد شاهی که در حال حاضر تحت ترمیم قرار داشته و در آینده به قول آقای شیرزوی به موزیم تبدیل خواهد شد ، تشریف بردند که در هر بخشی از طرف والی قندهار تشریحات لازم ارائه می گردید . پس از دیدار ارگ احمدشاهی به

صرف نان چاشت که به افتخار شان از طرف اکرم خان قوماندان امنیه ترتیب یافته بود ، تشریف بردند .

بعد از ظهر همین روز جناب استاد و هیات همراه به دیدن آرامگاه میرویس خان هوتکی رفتند ، به روح این بزرگ مرد افغانستان و سایر رفتگان دعا خیر نمودند .

شام همین روز رهبر جهاد و مقاومت ملی دریک گرد همایی اشتراک نمودند که از طرف کارمندان قوماندانی قول اردوی نمبر ۲ قندهاردر قرار گاه مرکزی آن ترتیب یافته بود . این قرارگاه که در منطقهٔ چونی قرار دارد ، قبلاً محل استقرار اسامه بن لادن بوده است.

محفل با تلاوت چند از آیات متبرکه الهی آغاز یافت ، بعداً محترم دگر ژنرال خان محمد خان قوماندان قول اردوی نمبر ۲ قندهارضمن خوش آمدید گفتن به مهمانان در بخشی از سخنان خویش گفت : تحت رهبری خردمندانه و عادلانه شما مردم و ملت مجاهد افغانستان به آرمان والای خود که دفع تجاوز شوروی و حکومت دست نشانده ان بود، رسیدند وبه تشکیل نظام اسلامی و مردمی خویش نایل آمدند . همچنان وقتی باردگرملت مسلمان افغان با توطئه ها و مداخلات تروریزم مواجه گردیدند ، شما توانستید مردم را نجات دهید و آزادی کشور را حفظ نمایید . بناءً شما رهبر بزرگ و ملی ما بوده اید احترام شما بر تمام مردم واجب است . قندهار خانه شماست و هرقندهاری افتخار دارد که امروز میزبان شما باشد .

بعداً چند تن از بزرگان اقوام و قوماندانان مجاهدان در رابطه صحبت نمودند و اقدام استاد معظم را در جهت رفع سؤ تفاهمات و تحکیم وحدت ملی کشور مفید خواندند اطمینان داد که در جهت تحقق اهداف پاک و عالی شان همکاری نمایند. سخنرانان تاکید داشتند که فقط تشکیل و تحکیم یک دولت اسلامی که از متن مردم برخواسته باشد ، می تواند صلح و ثبات در کشور را تضمین نماید و اقوام مختلف را متحد گرداند .

بعداً رهبر جهاد و مقاومت ملی ضمن اتحاف دعا به روح همه شهیدای راه آزادی کشور فرمودند : قول اردو یکی از مراکز مهم حفظ ارزش های جهاد است . حالا دولت انتقالی اسلامی افغانستان به رهبری آقای حامد کرزی تشکیل شده است و دیگر مراکز ظلم و وحشت در کشور وجود ندارد . جناب استاد ضمن قدردانی از تلاشهای بازسازی در این ولایت گفتند : آنچه شما امروز در جهت بازسازی کشور ویران تان انجام می دهید ، نمایانگر عشق و علاقه شما به این سرزمین بوده است و ثابت می نمایید همچنان که در زمان جهاد و مقاومت قهرمان بودید، در زمان صلح و بازسازی نیز پیشگام و قهرمان هستید . هستند کسانی که علیه مجاهدین توطئه می نمایند و آنان را توپکی و جنگ سالار می گویند ، در حالی که این مردم و مجاهدین تفنگ ها را برای دفاع از نوامیس ملی و تمامیت ارضی و آزادی و وحدت ملی کشور بر دوش گرفته اند . البته دربین مجاهدین افراد خلاف کار و منافق وجود داشت ، اما در مجموع کارنامه های مجاهدین روشن است . خواست ما از همه برادران از رهبران قومی تا روشنفکران و نظامیان این است که همه برای ساختن افغانستان با عظمت و آزاد با هم یکی و متحد شوند .

در پایان صحبت جناب استاد ربانی فرمودند : هر کشور دارای تذکره ملی می باشد ، تذکره یا شناسنامه ملی مردم افغانستان را نکات ذیل تشکیل می دهد :

۱-هویت ملی ما هویت اسلامی است . افغانها ملت متدین و استقلال طلب هستند که هیچگاه در مقابل متجاوزان تسلیم نشده اند . این مردم با سر دادن نعره های الله اکبر همیشه تصمیم خود را برای دفاع از دین و کشور تبارز داده اند

وقتی در زمان تجاوز ارتش سرخ ، افغانها اعلان جهاد و قصد مبارزه نمودند، جهانیان به آنا ن می خندیدند.اما همه شاهدیم که گذشت زمان پیروزی عزم و ایمان را بر تکنولوژی ثابت کرد . خداوند (ج) بندگان مخلص خود را در نعمت و مصبیت امتحان می کند .

۲- همه افغانها از شمال تا جنوب باید تحت لوای وحدت ملی جمع شوند و کمر همت را برای بازسازی کشور ببندند. حکومت مرکزی با ولایات روابط نیک و نزدیک داشته باشد تا بار دگر خدای ناخواسته مردم ما دامنگیر مصبیت ها و فتنه ها نگردند .

بعداً محترم گل آقا شیرزوی والی قندهار در صحبت های خویش گفتند : امروز جوانان ما که در تشکیلات نظامی مصروف خدمت هستند ، باوجود که ماه هاست معاش نگرفته اند اما به خاطر تامین امنیت و آزادی کشور به وظایف شان پای بند هستند . در جریان جنگها ، جوانان ما با جنگ و تفنگ آشنا شده و از تعلیم دور مانده اند . چون آن زمان ، زمان دفاع و مقاومت بود نه تحصیل . اما بازهم اطمینان داریم که این کشور به همت بازوی جوانان آباد شدنی است .

در ادامه صحبتها ، چند تن از بزرگان اقوام و فرماندهان به ارتباط موضوع صحبت نمودند وهمه بر ضرورت تامین وحدت ملی و برادری در میان مردم افغانستان و تایید و پذیرایی از سخنان استاد پرداختند.

صبح روز دوشنبه ۱۵ ثور ۱۳۸۲ (۵ م ۲۰۰۳) محترم استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت و رئیس جمهور پیشین کشور قبل از ترک ولایت قندهار به قصد هلمند در محفل وداعیه یی یکبار دیگر از استقبال گرم و صمیمانه مسوولان دولتی و بزرگان اقوام و اهالی ملکی قندهار تشکر نمود و برای مردم مسلمان قندهار موفقیت و اتحاد و سربلندی و روزهای خوشی را استدعا نمودند و نیز تحایفی را به نمایندگی از مردم قندهار ، به یک تعداد از شخصیت های دولتی و مردمی توزیع نمودند .

کاروان بزرگی از مردم که به امید بازدید مجدد و به نیت خداحافظی در طول جاده ها صف کشیده بودند ، با نعره های تکبیر، احساسات و مهمان نوازی شانرا به نمایش می گذاشتند .

استاد برهان الدین ربانی و هیات همراه شان حوالی ساعت ۱۲:۳۰ به شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند مواصلت نمودند . کاروان در مسیر راه با گروه های مختلفی از مردم که جهت استقبال و خوش آمدید گفتن به مهمانان صف کشیده بودند روبه رو شد که از طرف رهبر جهاد و مقاومت ملی و هیات همراه احساسات شان پاسخ داده می شد .

ص ۵

اهدا به پرتو نادری

محمد اسحق فایز

وقتی چراغ ها مرده اند

مانند آن بانوی رسیده در یأسگی
شب هنگام
فکرم با بکارت یک اندوهٔ گنگ
پهلو می زند:
هیچ نوزادی به نام شعر در من نطفه نبست
از آن رو در سالگرد مرگ چهل وشش مرتبه یی خود
به خاکستر سپیده هایی که در فلق تیز باران شدند
سوگند خوردم:
از زیر انحنای رنگین کمان عصر خویش بگذرم
ای ستاده بر گلوی متورم شب
ازتنگنای روزنهٔ یی که به کرانه های سپیده می نگری
سلامی از ما برسان
دستهای سپید ابرها در آسمان تپنده را
تا در بارانی
و در وحشی ترین غرش یک برق بهارینه
ببارد
برسر خوردگیهای وهم اندود روزکارم
•••

آی آشنا
دربامدادی که همانند قیرینگی کوری چشمهای وحشت بود
مصلوبی واژگونه گشتم
وچشمهایم از زاویه انگشت پاهایم می دید
آن افقی را که
در لایتناهی به آن می رسید
•••

می طلبم!
اگر دستی برشانه آواز من نکشی
سالهای سال در باتلاق تیرهٔ این روزگار
خواهم تپید
دردبار
•••

آی آشنا
وقتی در سحرگاهی خون آلود
گهواره کودکی هایم را
آشفته دیدم
سنگ پایه های کهستان زادگاهم را بغل گرفتم
وگریستم
وتا اکنون
بر تعقل گریان خویش لای لایی خواندم
وهنوز که هنوز است
تابوت خویش را بر شانه می کشم
با کفنی که ازبرگ های پهن تاکستان های سوختهٔ شمالی تنیده بود
وباتخته سنگهایی که
آوار دستهای ریخته بودا بود
•••

آی آشنا
"چشمان تو آیینه های... سرنوشت من است"
در آن
مخته خوانی خواهرانم را در هزاره جات
می بینم
وخمیازه های در عقوبت دردناک آوار گیم را
وفلسفهٔ گل آلود کردن دریاچه هایی را که:
-درکنار شمشاد جاری بود
-در کنار پامیر جاری بود
وحالیا دیگر
در شریان سپیده های دروغین نیز جاری است
وهر شامگه در آن
به آفتابی کاغذین می اندیشم:
چگونه برنوک انگشتانم طلوع می کند؟
•••

آی آشنا
برای آن غمگینم که در فرقم های لرزانم
آب زلال چشمه ساران زادگاهم
درنگ نمی کند
زیرا تصویری از من در آن میخزد
و من ناگزیرتر از هرگاه
به نیالودگی اش وسوسه می شوم
تا مبادا برشانه ام بکوبند
تهمت نتابیدن خورشید را
•••

آی آشنا
خوشا به حال تو
"پای روی دم هیچ کسی" نگذاشته ای
ولا جرم
پای بر روی پای تو نیز نخواهند گذاشت
ولی من
دم کلاغهای زمستان زدهٔ شرارت را کنده ام
ووقتی بر شبراهیان کوره راه های سبز
آتش می کشودند
جیغی کشیده ام
و تمام جسامت دست های خویش را
زیر سنگی نهاده
که نام شب قراولان را بر کف آن نوشته اند.
آی، با تو هستم
وقتی ستاره ای را به شهادت کاجها شاهد بردند
در محاکمهٔ سربی بیشه های توحش
حادثهٔ یی در حافظه خونینم
لرزید
و من از هراس مبادا ها
برنوک قلمم فرمان توقف دادم
واز آن روز تا این گاه
روسیاهی آرمان های سپیدم را
استفراغ می کنم.
آی با تو هستم
وقتی سگ همسایه ها به سوی تو پارس می زنند
من در گوش "الاغ سرکار"
زمزمه می کنم:
در موهبت ارزشهای دموکراسی
در ذهن کهنهٔ من
خشکسالی واژگان افتاده است
تا برایت نامی مدرن بر گزینم
ولی همینقدر خطابت می کنم:
مبارکت
از پدر در پدر سکولریست تشریف دارید
خدای را شکر
•••

آی خود من
از مشرق تا مغرب هبوط تازه ای کرده ام
و خوب هم می دانم
میان نه و یازد یی هم سپتامبر دو هزار و یک
یک روز فاصله است
و این را نیز می دانم
چه کسی دست های بریدهٔ مرا
برچار سوی شهر
مصلوب کرده بود
•••

آی تو را می گویم
"پیراهن شرمساری..." را
"روی ریسمان خمیدهٔ تاریخ"
تاب داده اند
تا باری دیگر اعتماد مرا از افتاب
پس بگیرند
وبه شناسنامهٔ خودشان
کاپی کنند
ترا می گویم
که از "صدف دلتنگی" خویش
غریو دریا شدنت را
فریاد می کشی
بگو
وقتی "چراغ ها مرده اند"
بر پیشانی درز برداشته دیوارهای شهر
در تاریکی
کتیبه یی را که بر آن نوشته اند:
علی سینا
چگونه بیاویزم؟

کابل ۲٤ ثور ۱۳۸۲

تمام آنچه در بین گیومه ها آمده است از "پرتو" است.

لطیف ناظمی

شبیخون شقاوت

بعد از تو اینجا خانه سر دوکور خالی بود
بعد از تو در هر لحظه مرگ احتمالی بود
پایم تو گویی سر بی سنگین ساکت گشت
دستم تو گویی دستهٔ ظرف سفالی بود
بی گامهایت نبض کوچه از تپیدن ماند
بی خنده ات در خنده هایم خشک سالی بود
بی قامتت ایوان چو گور مرده را میماند
آیینه بی تصویر تو، یک قاب خالی بود
بعد از تو بعد از رفتنت این‌جا گل اردیدم
گلبوتهٔ بی بوی و بی احساس قالی بود
شبها شبیخون شقاوت بر شقایق رفت
هنگامهٔ نازیدن "باد شمالی" بود
بعد از تو بعد از رفتنت دیوان شعر من
شینامهٔ فریاد های ارتجالی بود.

ش. زیارمل

میر من مي راته وائي:

نوره دا بي معاشه نوکري پريږده

يوه اووني کيږي چي سهار له کوره را وځم نو مير من مي راته د سودا کڅوره راکوي ځوچي مازيګر له رخصتي وروسته بيرته کورته ستنيږم نو تشه کڅوره مي په لاس کي وي ميرمن مي چي له ورايه ويني نو وچ ولي ئي تريو شي له ځان سره و ډونګيږي او له سلام وروسته بيا خو له را خلاصه کړي: ميرات معاش شه، دا څنګه معاش شو، له دي نه خو د هندو نوکري ښه ده، سريه تو کل په خداي کړه پريږده نوره دابي معاشه نوکري پريږده، خداي روزي رسان دي، مخکي که ماموروي نو عزت دي هم وو، موټرئي هم در کړي وو، کوپون دي هم لاره نو دا اوس دڅه د پاره نوکري ئي، پريږده د خداي روي ومنه نور مه ځان ځوروه او مه خپل او لاډ.

په رښتيا چي ميرمن مي بلکل حق په جانب وه نږدي دري مياشتي کيږي چي ما تنخوا نه ده اخيستي، کوپوني مواد خو دا شپږ مياشتي و شوي چي د کراچي په بندرکي پراته دي دوکانداران هم را باندي اوس اعتماد نه کوي او پورنه را کوي، هماغه بله ورځ خپل يو پخواني ګاك ته ور غلم په کور کي د چا يو او بوري سخت ضرورت و نو هغه را ته وويل: ورور ه ما مور جانه ځاي دي غلت کړي مهرباني و کړه دماليي وزارت ته لاړشه، و زير صاحب ته ووايه چي چاي او بوره نشته، د کور کرايه نه لرم، ددو کاندار پوروړي يم، اوړه خلاص دي، ماشومان قلم او کتابچي ته ضرورت لري.... اخير که څه نه راکوي نو ځواب خو راکړه چي چيرته په کوم شخصي کار پسي و ګرځم.

ددوکاندار دخبرو له اوريدو وروسته مي بياهم خپلي داړي ورته له خجالت نه جينګي کړي او ورته مي وويل دماليي وزارت متحد المال مکتوب ټولو اداروته رسيدلي بي غمه اوسه نوي اوزړي پيسي به دي يو ځاي در کړم خو هغه را ته بيا وويل: مامور صاحب ته نه پوهيږي پيسي خو پيسي ګټي زه له تا سره د مياشتو قرض او پور نشم کولاي، او ګوره ته راته ډير خوش با وره ښکاري چي په داسي متحد المال مکتوبونو او حکومتي دروغجنو و عدو پسي ګرځي. له تاسره خولاپروسږ کال را پدي خوا دمعاش دزياتوالي او د پنځه قلم کوپوني موادو د درکولو و عدي هم شويدي ايا کومه يوه ئي رښتيا شوه، څه ورو ره دي خبر و پنسي مه ګرځه، ته له هغه چانه طمعه مه کوه چي هغه يوه ورځ لوږه او تنګسه هم نه وي ليدلي، له هغه چانه طمعه ولي کوي چي هغه نن زيات و خت په هوا کي تيروي نه په ځمکه نو ستا په باب فکرکو لوته کله بيکاره دي او ګوره ستاد دريو کالو تنخوا دوزير صاحب يوا ځي ديوي مياشتي د دستر خوان خرچه ده او که دهوائي سفرونو له ډالري سفر يو نه ئي خبرشي نو نور به هم په ځان پوري حيران پاتي شي!

ما پداسي حال کي چي خپل ګاك دوکاندار ته دهغه د حق بينو خبرو دتائيد لپاره سر خو ځاوه پدي طمعه وم چي ګوندي زړه ئي را باندي و سوزي او بيابه هم پور را کړي خو له بده مرغه چي ځواب ئي کړم او پداسي حال کي ئي ځواب کړم چي خپله رنځوره ابي مي بايد ډاکتر ته وړي وي خپلو بچيانو ته مي خوراکي مواد اخيستي وي

او س دادي بيا تشه کڅوره او ځوړند سرخپل کورته روان يم خداي دي خير کړي چي ميرمن به مي داخلي په کورکي پريږ دي او کنه: ګرانو دوستانو! مهرباني وکړي تاسي مشوره راکړي چي څه وکړم، ايا د بشر ي حقوقو داسي کومه مرجع شته چي خپله عريضه ورته وړاندي کړم او دځان په څير دهيواد د ټولو بي وزلو مامورينو په نسبت تري ټولنيز عدالت غو ښتنه و کړم.

ايا پدي باب زمونږ چارواکي څه ويني او څه اوري چي عملي اقدام و کړي؟ او يابه بياهم دوزيرانو په شورا کي دمامورد بد مرغه او بد حالت په باب څه مبهمي او غير عملي پريکړي وي او د ۱۳۸۳ لمريز کال پوري به بياهم د معاش دزياتوالي او د کوپوني موادو دويش په باب يواځي په تشو خبرو غوليږو او ځان ته به هسي تش ډاډ او تسل ورکوو چي:

بزك بزك نمير كه جو لغمان ميرسد.

گام به گام با رهبر...

در نزدیکی دفتر مقام ولایت که برای توقف کوتاه مهمانان قبلاً در نظر گرفته شده بود، شاگردان مکتب اعم از دختران و پسران در دو طرف جاده صف کشیده بودند و با تقدیم دسته های گل ، مقدم مهمانان عزیز شانرا گرامی داشتند . همه جا سرور و جوش و خروش بود ، همه مردم تلاش داشتند تا حد اقل یک بار توفیق مصافحه و دست بوسی رهبر گرانمایه و عالم شان را دریابند . استاد نیز بدون تشویش و هیچ گونه تدابیر شدید امنیتی در خدمت مردم بود و این فرصت را به همگان ارزانی می داشت .

بعداً مهمانان جهت ملاقات با بزرگان و سران اقوام ولایت هلمند به هتل بست تشریف بردند و با آنها تبادل نظر نمودند.

عصر همین روز، جناب استاد و هیات همراه در حالی که از طرف والی جوان و محبوب هلمند آقای شیر محمد آخند زاده همراهی می گردیدند ، از فابریکه تصدی لشکرگاه که شامل بخش های پنبه و روغن و حجاری و قلزکاری و نجاری می گردید دیدن نمودند که از طرف مسوولین این فابریکه تشریحات لازم در هر بخش ارائه می گردید.

قابل ذکر است که این فابریکه چه در زمان جنگ و چه در زمان حاکمیت طالبان از کار افتاده و به مخروبه تبدیل شده بود که به همت مردم مسلمان هلمند و توجه خاص مقام ولایت امروز بخشهای مختلف تولیدی آن فعال شده و زمینه کار و معاش صدها هموطن ما مهیا گردیده است .

به روز سه شنبه ۱۶ ثور ۱۳۸۲ (۶ می ۲۰۰۳) جناب استاد و هیات همراه شان در محفلی اشتراک نمودند که به افتخار شان در لیسه اناث هلمند تدویر یافته بود . حین ورود به محوطه لیسه ، شاگردان با نثار گل و کف زدنها ، تشریف آوری رهبر شانرا گرامی داشتند .

در این محفل ابتدا آقای شیرمحمد آخند زاده والی هلمند ضمن خوش آمدید گفتن به مهمانان گفت : خوشحالم که رهبر جهاد و مقاومت به هلمند و در این لیسه تشریف آورده اند . امروز رهبری به این جا آمده اند که صدای مظلومیت و برحق ما را بلند کرده و آزادی ما را تضمین نموده اند .

والی هلمند در ادامه صحبت ها گفتند: در افغانستان دو چیز مهم است ۱– رهبرکشور مجاهد باشد ۲ – یک قوم نمی تواند در این کشور حکومت کند .

گرچه رهبری دولت افغانستان به ایشان احترام دارند ، مگر ما به خاطری که ایشان معلم جهاد و رهبر ماهستند ، احترام خاصی به ایشان داریم . به همین خاطر همه مردم به خواهش خود به استقبال شان آمده و تمام ارشادات شان مورد قبول ماست .

والی هلمند همچنان گفت که حالا ما به ضرورت وحدت ملی فهمیده و در جهت تحکیم آن تلاش می نماییم . ما از جناب استاد دعوت می نماییم تا در هلمند برای همیشه باقی بمانند و ما را از رهنمایی های خویش مستفید نمایند .

جناب استاد در آن جا طی بیانیه عالمانه شان فرمودند: هلمند سنگر قوی و بزرگ جهاد است . مردم همه خواهان وحدت ملی و برادری اند اگر مداخلات خارجی نباشد ، افغانها هیچگاهی باهم نمی جنگند . من چنان می انگارم که به خانه خود آمده ام ، به محافظت ضرورت ندارم. بعضی فتنه گرها تبلیغ می کردند که مجاهدین با علم و فرهنگ و تمدن مخالفند در حالی که امروز مسوولان مجاهد شما اهتمام زیادی به رشد علم و فرهنگ دارند و دختران و پسران از نعمت سواد بهره می گیرند .

برخلاف تبلیغات زهراگین دشمنان افغانستان ، جنگ های اخیر در کشور ، جنگ قومی نبوده است بلکه فتنه هایی بود که از خارج کشور زمینه سازی می گردید . در یک طرف خط ، محافظان ارزشهای دینی و ملی ما از نقاط مختلف کشورقرار داشتند و در طرف دیگر خط، اجیران خارجی که هدفی جز تطبیق برنامه های خارجی نداشتند .


مردم با گرمی و صمیمیت از استاد استقبال کردند

جناب استاد ضمن اشاره به اوضاع فعلی هلمند فرمودند: دراین ولایت وسیع باوجود مشکلات و کمبودی هایی در سطح دولت، امنیت کامل برقرار است . ولایت هلمند زمانی محل اصلی کشت تریاک بود اما امروز ما در هیچ جایی از آن این نمونه را نداریم که واقعاً کرامت است. دنیا باید فرق بین خادمان و خاینان را داشته باشد .

در فرهنگ افغانستان و اسلام مشکل حقوق بشر و تعلیم و تربیه زنان وجود ندارد . ما بعضی از قواعد و رسومی داریم که براساس ارزش های اخلاقی ، ملی و اسلامی ما بنا یافته است . ما جامعهٔ از هم گسیخته و بدون اهداف متعالی نیستیم . ما در افغانستان کنون تنها ملالی در جنگ انگلیس را نداریم ، هزاران زن مسلمان افغان در زمان تجاوز ارتش سرخ شهکاری های کرده و حماسه های آفریده اند که هرگز فراموش نخواهد شد . ما با آن بخش از دموکراسی که با تعلیمات اسلامی و رسوم پسندیده ملی ما مخالفت دارد، مخالفیم .

استاد ضمن اشاره به وضع عمومی کشور و مسوولیت افغانها فرمودند : دولت مرکزی را باید تقویت نماییم، فکر تسلط یک قوم خاص را برتمام کشور نداشته بلکه باید براساس اکثریت رای و اکثریت مردم که از اساسات دموکراسی نیز می باشد ، به هرکسی که مستحق آن باشد احترام بگذاریم و از وی حمایت نماییم . جهان باید مصالح خود در وطن ما را با مصالح ملی ما نزدیک نماید . ما امروز یک حزب و سازمان داریم که آن افغانستان و اسلام است .

همچنان رهبر جهاد و مقاومت ملی در محفل دیدار با مسوولان و بزرگان اقوام مختلف که در ساختمان ریاست امنیت ملی ولایت هلمند تدویر یافته بود ، اشتراک نمودند و یکبار دیگر تشریف آوری شان توسط والی هلمند خوش آمدید گفته شد و به خاطر تکلیف یی که دراین سفر تحکیم وحدت ملی متقبل می شوند ، از خداوند کریم برایشان عاقیت و سرافرازی تمنی نمودند . والی هلمند همچنان برضرورت رفت و آمد و تماس بیشتر اقوام برادر افغانستان تاکید ورزید و آمادگی خود را دراین راستا اعلان نمود .

جناب استاد طی بیانیه یی یکبار دیگر خواهان تفاهم و نزدیکی افغانها برای حفظ تمامیت ارضی و شروع بازسازی کشورشان گردیده و از مردم مسلمان و غیور هلمند خواست تا نمایندگان شانرا به شمال و نقاط مختلف کشورجهت رفع سوء تفاهمات بفرستند . همچنان جناب استاد فرمودند که من این مساله را بارها گفته ام که اگر به مردم افغانستان توجه نگردد و مداخلات خارجی قطع نشود ، این بار نه تنها افغانستان بلکه منطقه نا امن خواهد شد . ما به همکاری جهانی ضرورت داریم مگر مداخله را نمی پذیریم. ما دوستان خوب و مزدوران بدی هستیم .

بعداً محترم حاجی ملا میر آخند به نمایندگی از بزرگان اقوام هلمندو محترم حاجی قاری به نمایند گی از علمای ولایت هلمند صحبت نمودند و پیشنهاد های ذیل را به محضر رهبر جهاد و مقاومت ارائه کردند :

– سلامها و احترامهای ما را به مردم بدخشان و تخار و سایر ولایات شمال کشور برسانید و از برادری ما با آنها اطمینان دهید.

– شما می دانید طالبان هزاران جوان ما را به زور و اکراه به جبهات جنگ انتقال می دادند که امروز بعضی آنها اسیر جبهه متحد می باشند . از شما به حیث رهبر ملی و فرد با نفوذ و با رسوخ تقاضا داریم که در رهایی آنها ما را یاری نماید و آنها را دوباره به خانواده های شان برگردانید .

رهبر جهاد و مقاومت ملی افغانستان و هیات همراه شان پس از این به ولسوالی گرشک ولایت هلمند رفتند و در قرارگاه فرقه ۹۳ پیاده ، ضمن قبول مراتب احترام گارد تشریفات با مردم و مستقبلان مصافحه نمودند و به احساسات صمیمانه و مهمان نوازانه شان پاسخ پدرانه دادند. دختر بچه هایی که با لباس های محلی آراسته بودند با تقدیم گل و ادای جمله "مهمانان عزیز خوش آمدید" ادای احترام و ادب نمودند. عصر همین روز مهمانان از تاسیسات بند برق باغران دیدن نمودند و از توجه مسوولان جهت نگهداشت آن تقدیر به عمل آوردند. این تاسیسات درآینده با توجه بیشتر می تواند دارای ظرفیت بیشتر تولید برق گردد.

بعد از ادای نماز شام که به امامت شان ادا گردید ، رهبر جهاد و مقاومت ملی طی بیانیه یی مختصر اهداف سفر خویش را تشریح نمودند و ازبزرگان ومسوولان دولتی خواستند تا قدم هایی اساسی را در جهت تحکیم وحدت ملی، تقویت حکومت مرکزی و بازسازی کشور بردارند. همچنان دراین سخنان ، جناب استاد افغانستان را خانه مشترک همه افغانها خواندند و این تبلیغات دشمنان کشور و مردم را که گویا اختلاف عمیقی بین اقوام ساکن کشور وجود دارد، پوچ و میان تهی دانستند و استقبال مردم از ایشان و هیأت همراه شانرا سیلی محکم بر دهن عناصر اشوب گر تعبیر کردند.

سپس محترم مولوی غلام محمد از بزرگان قندهار طی سخنانی گفت: رهبری فعلی کشور مجاهد و مسلمان بوده است و دشمنان ما نمی توانند با راه اندازی فتنه ها و تبلیغات سؤ علیه آن، مردم را تحریک و آشوب برپا نمایند. استاد رهبر ملی ما بوده و اطاعت آن لازم می باشد.

موصوف همچنان به قانون اساسی آینده کشور اشاره کرده گفت: قانون اساسی آینده ما باید مطابقت کامل با ارشادات دین اسلام داشته و در روشنایی آن باید تدوین و تصویب گردد. هر نوع قانونی ایکه احساسات مذهبی وارزش های اسلامی مردم ما در آن نادیده گرفته شود، مردود و محکوم به شکست است.

روز چهار شنبه ۱۷ ثور ۱۳۸۲ جناب استا د و هیأت همراه شان گرشک را به قصد ولایت باستانی و شهید پرور هرات ترک نمودند.

ادامه دارد

کرزی و چشمه های...

این مشکل دولت هرچند تازگی ندارد ولی آقای کرزی آن را در زمانی مطرح می سازد که در ایالات متحدهٔ امریکا، یعنی کشوری که در قبال باز سازی افغانستان بیشترین تعهد را متقبل شده است، اوضاع نه چندان خوش آیند افغانستان انتقاد هایی را متوجه دولت جورج بش ساخته است. به عنوان مثال روزنامهٔ پر تیراژ نیویارک تایمز اوضاع افغانستان هجده ماه پس از سقوط طالبان را هم از نظر امنیت و هم در بعد اقتصادی یاس آور توصیف می کند.

بعضی از روزنامه های معتبر دیگر در امریکا نیز به این موضوع پرداخته است که امریکا سالانه مبلغی در حدود یک میلیارد دلار به افغانستان کمک کرده است ولی از آن جا که این کمک با توجه به میزان فقر و بیکاری در افغانستان صرف کمک های انسانی گردیده است، کار باز سازی پروژه های زیربنایی چون جاده ها و کارخانه ها .... همه معطل مانده و در نتیجه این کمک ها در خلق در آمد و کار در این کشور جنگ زده تاثیر مثبت از خود بر جا ننهاده است.

در کنار این تصویر ناخوش آیند از افغانستان در رسانه های خبری بین المللی، در داخل نیزشماری زمینه این را برای القای این نظر در ذهنیت ها فراهم آورده اند که تا مجاهدین خلع سلاح و خلع قدرت نشوند، این مشکل حل نخواهد شد. جنگ های پیهم در بعضی از مناطق شمال کشور به این باور بیشتر قوت می بخشد. آقای کرزی در اشارهٔ مستقیم به این جریانات گفت که این آخرین شانس برای مجاهدین است و اگر امروز در اصلاح وضع کمک نکنند، فردا دیر خواهد بود.

سخنان آقای کرزی در رابطه به مسایل و مشکلات اقتصادی و امنیتی در کشور به جا و مورد تایید است و باید همه ملت مجاهد افغانستان چه قرماندهان جهادی وچه افراد عادی این کشور، وظیفه دارند تا در تحکیم پایه های دولت مرکزی بکوشند. ضعف و ناتوانی این دولت به حیثیت ملت افغانستان در سطح جهانی ضربه می زند. دعوت آقای کرزی از والیانی که چشمه های عواید گمرکی کشور در اختیار آنان است خود قدمی بسیار به جا در جهت تفاهم است و ما مطمئن هستیم که هیچ کدام از والیان محترم بیش از این به اقداماتی که به ضعف اعتبار دولت بیانجامد راضی نخواهند شد.

در عین حال آقای کرزی به عنوان یک شخصیت جهادی ورئیس دولت باید در مواضع و سخنان خویش به انصاف ارج بیشتر بگذارند تا فضای بد بینی و سوء تفاهم ایجاد نگردد و موجب مشکلات بیشتر برای ملت نگردد.

و برای برنامه های اصلاحی خویش مکانیزمی را در نظر بگیرد که ازان قصد مجاهد ستیزی ومجاهد زدایی تلقی نشود چنانچه برخی از رسانه های خارجی و شماری از افراد معلوم الحال پیوسته تر ویج می کنند. در این حالت چنین مو ضع گیری هم برای ملت افغانستان و دولت آن، هم برای آقای کرزی و حکومت او به جای سود، زیان به بار خواهد آورد. چیزی که آقای کرزی هر گز انتظار دیدنش را ندارد.

حاکمیت مرکزی و قانون...

در هفته قبل آقای حامد کرزی در محفل بزرگداشت از میلاد پیامبر بزرگ اسلام در جمع علمای کشوراعلام نموده بود که "ما تصمیم داریم عواید ملی را در مرکز جمع آوری کنیم تا معاشات کارمندان دولت از آن پرداخته شود."

آقای حامد کرزی همچنان در این جلسه اعلام نمود که در صورت عدم موفقیت در وظایف خویش به ملت افغانستان مراجعه می کنم و تاسه ماه دیگر لویه جرگه را دعوت و دلایل ضعف دولت را بر ملا ساخته تا ملت افغانستان تصمیم بگیرند.

آقای کرزی در حالیکه با تفاوت از گذشته با جدیت و احساساتی صحبت می نمود به بخشی از مشکلات و نا توانی دولت اشاره نموده گفت: روز به روز مردم افغانستان از حکومت نا امید شده می رود و روز به روز برای شان سوالات ایجاد میگردد. این سوالات و نا امیدی ها باید به امید وکامیابی مبدل شود."

وصف عالم

پیشوای عالم بشری حضرت محمد"صلی الله علیه وسلم" فرمودند: بعد ازمن سلاطین ظالم باشند هرکه به دروغ ایشان راضی بود ازمن نیست و اورابه حوض من در قیامت راه نیست وگفت: دشمن ترین علماء نزد حق تعالی آنانند که نزد امرأ روند وبهترین امرأ آنانند که نزد علماروند وگفت: علماأمانت داران پیغمبران اند، باسلاطین مخالطت نکنند چون کردند در امانت خیانت کردند، ازایشان دورباشید. ابوذر رضی الله عنه باسلمه گفت که دورباش ازدرگاه سلطان که ازدنیای ایشان هیچ چیزبه تونرسد وگفت: در دوزخ وادی است که هیچ کس نه شود در آنجامگر علمأ که به زیارت سلاطین روند الابه ضرورتی.

ابن مسعود"رض" می گوید مرد باشد که بادین درست نزد سلطان رود وبی دین بیرون آید، گفتند: چگونه؟ گفت رضای ایشان جوید به چیزی که خشم حق تعالی درآن باشد.

فضیل گوید چندانکه عالم به سلطان نزدیک شود ازحق تعالی دور می شود.

ومحمد بن مسلمه گوید مگس برنجاست آدمی نیکوتر ازعالم هردرگاه ملوک.

ونیز رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند :

یامعشرالمهاجرین نزدیک اهل دنیامروید که به روزیی که حق تعالی شمارا داده است خشم گیرید. وعیسی"ع" می فرماید:

در مال اهل دنیامنگرید که روشنایی دنیای ایشان شیرینی ایمان از دل شمابرد. پس نزدیک هیچ ظالم شدن رخصت نیست، مگر به دوعذر، یکی فرمانی باشد ازسلطان ودیگر به شفاعت در حق مسلمانی در این رخصت بود وبه شرطی که دروغ نگوید وهمچنان نزدیک سلاطین نرود اماسلاطین نزد وی آیند. که آمدن به نزد وی اکرام علم است وبه این نکویی مستحق اکرام گشت.

عبدالحکیم"نیاز"

ازکیمیای سعادت

جهانی شدن وحقوق کیفری

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

اساسنامه تخستین دیوان کیفری بین المللی دایمی در سال ۱۹۹۸در"کنفرانس دیماتیک رم" تدوین گردید، سندی که به بعد حقوقی جهانی معنی خاصی بخشید.

به صورت عموم کنوانسیون های بین المللی که از آغاز۱۹۴۵ تاکنون انعقاد یافته اند گذشته از آنکه حقوق بین المللی را در حدی توسعه دادند، به نحوی حاکمیت ملی دولت های عضو را محدود نموده وبه صورت اجتناب ناپذیری در نحوی حقوق داخلی کشورهای موثر بوده اند.

ولی اهمیت اساسنامهء دیوان کیفری در آن حد است که حتی برخی از طراحان آن دچار وحشت شده وحتی کاربه جای رسیده است که برخی علیه آن تبلیغات ومخالفت وسیعی را به راه انداخته اند.

بالازم الاجراء شدن اساسنامه پس از چهار سال، محاکمه اشخاص حقیقی که مرتکب جنایات بین المللی شده اند، پابه عرصهء وجود گذاشت.

این جنایات عبارتند از جنایت نسل کشی، جنایات نسبت به بشریت، جنایات جنگی وجنایات تجاوز.

یقیناً هرگاه توافقی برسرتعریفی از آن صورت پذیرد تشکیل دیوان کیفری بین المللی یکی از آرزوهای دیرینهء بشررا جامه عمل خواهد پوشاند، به این بیان که در نهایت همه مردم جهان بدون در نظرداشت مقام ومصونیت های شغلی خود باید در مورد جنایاتی که مرتکب می شوند، آماده پاسخگویی باشند.

بدون شک این رویداد طوریکه انتظار آن می رفت در برابر عکس العمل های کشورهای مختلفی روبرو گردید. دولت ها غالباً صلاحیت دیوان های داوری بین المللی را در عرصه های دعاوی مدنی وتجاری می پذیرند، ولی قبول صلاحیت کیفری یک نهاد غیر ملی چندان مورد پذیرش نبوده است.

ازجانب دیگر بنا به دلایل محکمی جامعه جهانی نیازمند یک محکمهء کیفری بین المللی می باشد که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- گسترش ابعاد جهانی شدن نیاز جدی به قوانین ومقررات واحد حاکم برروابط دولت وملت ها ونیز نهادهای دایمی بی طرف که ناظر به اجرای این قوانین ومقررات باشد وجود دارد، بربنیادچنین نیاز ملموس است که استقرار یک نهاد کیفری بین المللی به حیث یک ضرورت بایدمطرح گردد.

۲- امکان آن وجود دارد که در بعضی شرایط اوضاع داخلی یک کشور به دلیل جنگ داخلی یادرگیری های داخلی آن چنان دگرگون گردد که رشتهء امور از دست دولت مرکزی خارج شود وجلوگیری از وقوع جنایات ومحاکمه مجرمان عملی نباشد که می توان به صورت نمونه بارز آن اوضاع داخلی یوگوسلاویای سابق را یادآورشد.

۳- در جنگ میان دوکشور، دولت فاتح معمولاً براساس موضع برترش مصونیت از هرگونه پاسخگویی در برابر ارتکاب جرایم اتباع خود به صورت نمایش می گذارد.

یقیناً این کشور دست به محاکمه افرادی ازنیروهای مسلح اش که مرتکب جنایات سبکی شده اند، نمی زند وچه بساکه به آن هامدال ها وامتیازات شهامت وقهرمانی هم اعطامی کند که بهترین نمونه این گونه موارد اوضاع دنیاپس ازجنگ عمومی اول ودوم جهانی است.

۴- دیگر این که برخی ازجرایم بین المللی دارای چنان ابعاد گسترده ای هستند که یک دولت به تنهایی نمی تواند در برابر آن ها مقاومت نماید وبرای مقابله به آن ها نیاز به همکاری بین المللی محسوس است که ازجمله می توان به قاچاق مواد مخدر وقاچاق زنان وقاچاق کودکان اشاره نمود.

۵- از همه مهمتر نقض حقوق بشر در این زمان صلح است که در برخی موارد خود دولت طراح ومجری آن می باشد ویا باتأیید آن صورت می گیرد، در نتیجه دادگاه های داخلی نسبت به وقوع آن توجهی نشان نمی دهند.

بدون شک همه عوامل یاد شده سبب شده است که در طول تاریخ اندیشهء ایجاد محکمه ای فراملی مورد توجه قرار گیرد به خصوص که در این سال های اخیر سازمان های غیرحکومتی نسبت به آن توجه خاص نشان داده و در راه تحقق آن تلاش خستگی ناپذیری مبذول داشته اند.

اساساً باید تذکر داد که حقوق کیفری بین المللی برسه پایهء اصلی قرار گرفته است:

۱- افراد مسوول اعمال خود اند وتنها استناد به این که شخصی در اجرای دستور مافوق خود مرتکب خطیر ترین جنایات بین المللی شده است، کافی نیست.

۲- مصونیت های سیاسی کیفری ملی نمی تواند مورد استناد قرار گیرد.

۳- اگر بنابه دلایلی اجرای عدالت توسط محاکمه داخلی میسر نباشد محکمهء بین المللی وارد میدان می شود که در اساسنامهء دیوان کیفری بین المللی این هرسه مورد مدار اعتبار قرار گرفته است.

❁ این حلقه به صورت عموم برگرفته شده ازمقالهءتحقیقی است که توسط داکتر زهراز استادان دانشگاه امام صادق در مجلهء اطلاعات ایران شماره های۱۸۰-۱۷۹ به نشررسیده است.

دوه مخى غولوونكي پاليسي

پسرلي

زموږ د انتقالي دولت دبهرني پاليسي يو ستر هدف دادي چي دنورو هيوادو په تيره بيا دخپلو ګاونډيو هيوادو په كورنيو چاروكي هيڅ وخت لاس وهنه ونه كړي؛ بلكي هيله لري چي له هغوي سره په سوله او نيك تفاهم كې ژوند ته دوام وركړي او هيڅ كله به هم داسي پيښه نشي چي زموږ دګډو پولو له لاري دبل هيواد خلكو ته تكليف او ازار ورسيږي.

نو موږ دخپلي همدغي اسلامي، انساني او ملي ستراتيژۍ له لاري له خپلو ګاونډيانو سره تير كال په كابل كې دنه لاس وهني او ښه ګاونډيتوب يوه لوظنامه لاسليك كړه چي پر هغي باندي دشپږو ګاونډيو هيوادو د بهرنيو چارو وزيرانو لاسليك وكړ او موږ ته يي دا ډاډ راكړچي په راتلونكي كې به زموږ پر وړاندي داسي پاليسي غوره كړي چي دهغي له مخي به موږ له خپلو هم سرحدو هيوادو سره دسياسي، ديپلماتيكو، فرهنګي او تجارتي اړيكو دټينګښت او پراختيا له لاري دښه ګاونډيتوب او نيك تفام له ټولو ثمرو څخه برخمن واوسو.

له بده مرغه تير وخت دا وښول دله چي د افغانستان ددغه سوله دوستي پاليسي پروړاندي يو لړ داسي لمسوونكي حركات او فعاليتونه سرته رسيږي چي اصلاً دښه ګاونډ يتوب او له حسن تفاهم سره ضديت لري او ددوستي پر ځاي ددښمني بوي تري ځي، د ساري په توګه: كله زموږ پر پولو باندي په څرګنده د وسله والو مليشو او ځينو وراتكارو تروريستانو سره يوځاي وسله وال بريدونه كيږي، كله بيا دغه راز تروريستان زموږ په هيواد كې دويږي او ډار دفضا دمنځ ته راوړلو له پاره زموږ دهيواد دننه په عسكري پوستو او تاڼوباندي دبريد او وژني له پاره را استول كيږي او كله بيا زموږ دځمكني بشپړتيا پر خلاف زموږ د خاوري په سرحدي سيمو كې خپلي پوستي او تاسيسات جوړوي او په دي توګه غواړي چي زموږ هيواد دسولي او آرامي مخ ونهويني او په دي توګه يو ځل بيا دخپلو زرخريدو مزدورانو دواكمني له پاره لاره آواره كړي.

همدارنګه موږ په دي وروستيو وختونو كې له باوري خبر ځايونو څخه دا هم واوريدل چي زموږ دختيځ ګاونډي پاكستان دصوبه سرحد امنيتي مامورينو په دي صوبه كې زيات افغان كډوال نيولي او په جيلونو كې يي اچولي دي چي په دي باب دبهرنيو چارو وزير ډاكتر عبدالله له پاكستاني لوري سره تيلفوني خبري هم كړي او دپاكستان دبهرنيو چارو وزير خورشيد احمد قصوري ژمنه كړي چي ډير ژر به دغه ستونزه حل شي.

موږ كه له يوي خوا دافغاني چارواكو روغ نيتئ او تيريدني ته وګورو چي دخپل ښه نيت له مخي يي ان هغه پاكستاني بنديان ډلي ډلي له جيلونو څخه خلاص او خپل هيواد ته واستول چي هغوي عملاً دطالبانو له تحريك سره په ملاتړ زموږ دزرګونو هيوادوالو دمرګ ژوبلي پوروړي او په بشري ضد جنايتونو كې يي څرګنده ونډه اخيستي وه او له بلي خوا دخپل ګاونډي ددوه مخي سياست ته نظر وكړو چي ظاهراً دپرنسيپ له مخي زموږ له سياسي چارواكو سره ټولي سوله ييزي لاري چاري تاييدوي؛ خو په عمل كې بيا دهغي خلاف چلند كوي.

هيله من يوو چي په ورور او ګاونډي هيواد كې نه يواځي زموږ اوسني افغان ورونه بلكي ټول هغه بنديان چي په بيلا بيلو جيلونوكي لاتراوسه بې سرنوشته پاتي دي له جيلونو څخه خوشي كړي او زموږ او زموږ كډوال پريږدي چي په خپله خوښه او داوطلبانه توګه خپل هيواد ته راستانه شي نه د زور زياتي، بندي كولو او ګواښ له لاري.

موږ په داسي حال كې چي زموږ دجهاد په وخت كې پاكستان زموږ سره داسلام او مسلمان دګډ دښمن په وړاندي خپل اسلامي رسالت سرته ورساوه له دغه ورور هيواد ته ستره مننه كوو خو: په خپل دغه ګاونډي هيواد دا حق هم لرو چي زموږ دتاريخ په دغه حساسه شيبه كې زموږ سره دبيا رغاوني په بهير كې ديادوني وړ برخه واخلي او په خپلو پولو كې دهغو تروريستانو مخه ونيسي چي هغوي اصلاً په هيواد كې سوله او ثبات نه غواړي او يا غواړي چي زموږ دملي پرمختيا او سراسري نيكمرغي پلانونه له خنډونو سره مخامخ كړي او زموږ خوږيدلي خلك لاپسي وځوروي.

نکاتی در بارهٔ برنامهٔ بازسازی وتوسعهٔ شهر کابل

دکتر فریار کهزاد - کانادا

۲۳- مسایل اقتصادی پلانگذاری شهر کابل:

موضوعات ومسایلی که تا اینجا در این سطور گنجانیده شده است به هیچ صورت با مقدار کم پول ومشکلات مالی برآورده شده نمی تواند. برعکس این امور خواهان یک بودجه بسیار قوی می باشد تا همه امور این شهر در راه درست رهنمایی گردد. اگر تمام کارهایی که در این نوشته ذکر شده عملی گردد به یک بودجه در حدود یک بیلیون دالر امریکایی ضرورت می باشد . اینکه دولت انتقالی اسلامی افغانستان چگونه می تواند وجوه فوق را برآورده سازد معلومات موثقی در دست نیست. البته بعد از آن که پلان شهری تا حدی پیشرفت نمود، رقم دقیقی برای این کار ها به دست خواهد آمد ولی به هر حال دولت باید در جستجوی منابع پولی باشد که بتواند این پروژه بزرگ را عملی سازد. البته چه برای تمویل این پروژه وچه برای تمویل پروژه های دیگر کشور، باید در پهلوی کمک های خارجی منابع مالی داخلی را جستجو نمود . شاید بعضی از کارها توسط سرمایه گذاری های خصوصی پیش رود ولی به هر حال در سطح کل کشور پروژه هایی که می تواند بازده زود رس داشته باشد باید هرچه زودتر مورد مطالعه قرار گیرد تا تولیدات آنها کشور را از مشکلات اقتصادی نجات داده وپروژه های عام المنفعه را بتوان توسط آنها سرمایه گذاری نمود . این موضوع ما را به مرحله بندی پروژه ها می کشاند که در مورد مرحله بندی پلان شهر کابل نکاتی اینک تقدیم می گردد:

مراحل پلانگذاری شهرکابل :

مرحله بندی پلان شهر کابل بنا بردو موضوع مهم قابل دقت می باشد . یکی این که برای تمام کارهای امور شهر کابل مقدار کافی پول وسرمایه در دست نیست ودوم آن که اجرای هر کار از خود وقت وزمان می خواهد تا تکمیل گردد وبه نتیجه برسد . فلهذا این کار به یک اداره بسیار درست ضرورت دارد تا تمام امور پلان شهری را مراقبت نموده وآنرا به پایه تکمیل براند. این کار به یک اداره پروژه (Project Management) بسیار قوی وتشکیلات مناسب ضرورت دارد . به هر حال امور پلانگذاری شهر کابل باید به چند مرحله تقسیم شود که به صورت ابتدایی مورد بحث قرارمی گیرد:

مرحله اول یا مرحله کارهای عاجل:

این مرحله باید قبلاً آغاز شده باشد ومردم را در امور روزمره یاری رساند. این مرحله قسمیکه در یکی از نوشته ها در مورد بازسازی افغانستان تحریر نموده ام همدوره دولت موقت می باشد زیرا ناممکن به نظر می رسد که بتوان کارهای دیگر را دراین دوره آغاز نمود . اما این مرحله باید دوران کار پلانگذاری باشد تا بعد از ختم دوره عاجل پلان های بازسازی وتوسعه شهر موجود باشد تا کارها مطابق آن آغاز شده بتواند . با این همه مطالعه وطرح های مختلف وگوناگون در امور مختلف پلانگذاری که ذکر رفت ، مدت دو سال وکمتر از آن وقت کافی برای این همه کارهای مهم نمی باشد مخصوصاً اینکه برای این همه فعالیت های پلانگذاری اساسات وجود ندارد ومطالعات وتحقیقات اساسی وقت زیاد را خواهد گرفت مگر آنکه یک تیم فوق العاده قوی انجنیری این کار مهم را به دوش گیرد.

قسمت ششم

مرحله دوم یا آغاز بازسازی وتوسعه پلان شهر کابل:

قسمیکه در بالاذکر شد دراین مرحله که باید کمتر از دو سال آینده آغاز شود پلان شهر یا قسمت هایی که در این مرحله نیاز به تطبیق دارد باید آماده باشد . این مسأله نشان می دهد که تقسیم بندی کارها از نقطه نظر اولیت ها باید معین شده باشد ودر پلان تصریح شده باشد که کدام قسمت پروژه باید آغاز گردد. طور مثال از نقطه نظر ساختمانی باید طرح مجراهای بزرگ فاضلاب برای احداث آماده باشد زیرا قبل از کار راه ها ودیگر مسایل آنها باید تکمیل گردد در غیر ان کارها تکرار ودوباره خواهد شد . بدین ترتیب اولویت ها وارجحیت ها از کارهای مهم پلانگذاری شهری خواهد بود . در غیر آن مشکلات گوناگون دامنگیر خواهد گشت . این مرحله همچنان مرحله طرح پلان های بعدی نیز خواهد بود. در اینجا این سوال به میان می آید که پلان شهر کابل چقدر وقت را خواهد گرفت . درحال حاضر جواب دادن به این سوال کار آسانی نیست وباید سالها انتظار کشید تا نتیجه به دست آید . این کار از طرف دیگر مربوط به مسایل مختلف مملکت خواهد شد وآن این که این تنها شهر کابل نیست که به این همه زحمت وکار ضرورت دارد بلکه تمام افغانستان در حال حاضر از برکت سالهای جنگ خساره مند شده است وقبل از جنگهای ۲۳ ساله هم افغانستان چندان تاسیسات شهری درست ومناسب نداشت. در حقیقت نسل حاضر افغانستان نه تنها خرابی های ناشی از جنگ ها را ترمیم می کنند بلکه بار نسل های گذشته را ومخصوصاً حکومات گذشته را نیز به دوش می کشند زیرا آنها در توسعه کشور بسیار غفلت ها نموده اند که قابل بخشش نمی باشد . باید متوجه بود که باپلان شهر کابل پروژه های دیگر مملکت پامال نشود وتوسعه همه کشور هدف اصلی تمام این پلان ها وپروژه سازی هاباشداین پروژه نباید مشکلات جدید سیاسی را خلق کند واین در صورتی امکان پذیر است که به پروژه های دیگر اهمیت کمتر داده شود .

خوانندگان عزیز قسمی که دیده می شود پلان گذاری شهر کابل کار ساده وبسیط نیست وپول کم قابل تطبیق نمی باشد. از طرف دیگر با پلان های خورد وریزه فکر نمی کنم مشکلات شهر ومردم کابل رفع گردد ویا کابل واقعاً به یک شهر بامعیارهای جدید تبدیل شود . اما این به معنی نا امیدی نیست بلکه کار وکوشش درست ومناسب تمام این مشکلات را حل خواهد کرد.

پایان

نوشتهٔ دکتر عبدالحلیم غویس — ترجمهٔ فضل الرحمن فاضل

نقش تعصب قومی درسقوط دولت اسلامی اندلس (هسپانیه)

قسمت نهم

آری کینه ها در نفس های عرب های حجازی وشامی این سان عمیق بود وطبیعی بود که امیه وقطن فرزندان عبدالملک بن قطن لشکر بزرگی را جهت حرکت به سوی "سرقسطه" جمع آوری نموده وشورشی در انتقام خون پدر به پاکنند . لشکر آن ها درحدود یکصد هزار واز عرب های قدیم وجدید منطقه متشکل بود. بلج در حالی که عساکرش پنجم حصه لشکر فرزندان عبدالملک را تشکیل می داد در برابر او صف آرایی کرد. فرزندان عبدالملک شکست فاحش خوردند ویاران بلج پیروزمندانه در حالی که از مال غنیمت ونصرت به دست آمده خرسند بودند، باردیگر به محلات خویش عودت کردند. اما فرمانده لشکر یعنی بلج به اثر جراحتی که در جنگ برداشته بود، چند روز بعد در گذشت.

این نبرد یازده هزار کشته به جا گذاشت . این خون ها نمی ریخت در صورتی که یک فرد زنده گذاشته می شد واو همان عبدالملک بن قطن است که در نود سالگی او را به قتل رسانیدند .

این است کینه عربی قبیله ای که هرگاه از اسلام فاصله گرفت، چنان بیداد می کند و وحشی می شود ودر اثر بر تری خواهی نژادی که میراث عهد جاهلیت است، برادری اسلامی را فراموش می کند.

ابن عذاری مراکشی صورت بدبختی آفرین دیگری را ارایه می دهد که کینه نژادی میان عرب ها وعربها را به نمایش می گذارد، نه کینه میان عرب ها وبربرها یا عربها ودورگه ها را.

ابن عذاری می گوید:در جنگ هایی که میان قبایل عربی در اندلس قبل از بلج بن بشر به وقوع می پیوست، عرف به همین رفته بود که زنان وکودکان به اسارت برده نشوند، اما در نبرد آخری، عرب های شامی اسارت زنان وکودکان را مباح شمردند. بلج تعداد زیادی از اسیران جنگی را به قرطبه آورد وبااستخفاف وبد رفتاری، فروش آنان را اعلان می داشت.

ای کاش که کار در همین جا توقف می کرد، بلکه آتش کینه، انتقام وبرتری جویی به این حد شعله ور بود که نجبا،شیوخ وسران مخالفین را به «مناقصه» می فروخت، یعنی می گفت: مناقصه کنندگان بشتابند، نه مزایده کنندگان. در جملهٔ آن شیوخ، ملی بن حصین وحارث بن اسد از اهل مدینه بودند.

منادی در آغاز به ده دینار صدا کرد وپرسید: کی کم می کند؟ کم کردن به اندازه ای رسید که یکی را در برابر یک عدد چوب خشک ودیگری را در برابر یک قلاده سنگ به فروش رسانیدند!!

طبیعی است که همزمان با این روش غیر اسلامی وسلوک غیر اخلاقی لجام گسیختگی سراسر اندلس را فرا گیرد وهر لحظه ای که فرصت میسر شد جنگ میان قحطانی وعدنانی در گیرد وبه همین خاطر اندلس مدت چهار ماه بدون کدام والی بود.

وقتی که خشونت ها اوج گرفت. اختلاف میان اهالی اندلس بیشتر می شد تا اینکه برفرمانداری یوسف بن عبدالرحمن فهری توافق کردند، اما شرطی هم افزودند که یحیی بن حریث در بخش از اندلس صاحب صلاحیت باشد.

ادامه دارد

بازتاب حوادث تروریستی اخیر...

در اینجا شباهت بسیار بین اعمال طالبان و القاعده دیده می شود که هردو بی توجه به نتایج اقدامات خویش به اقداماتی دست زدند که به هیچ صورت به نفع شان نیز نیست. برای آنان فقط نیت شان مهم است نه نتایج بعدی عمل شان. نابود کردن مجسمه های بودا در بامیان به دست طالبان نمونه یی بارز از این گونه اقدامات است که در آن به زعم خود شان نفس نیت مخالفت با بت پرستی بالا تر از اهداف مرتبه بعدی آن عمل قرار داشت.

این نوع طرز دید به طالبان و القاعده منحصر نیست. در سراسر جهان اسلام موج وسیعی از ناامیدی، به این گرایش ها سربازان فدایی عرضه می کند.

پیام سازمان های تروریستی به خصوص به جوانان مسلمان بسیار ساده و عام فهم است. اسامه بن لادن درپیام ها و مصاحبه های خود در گذشته علت اساسی مخالفت خود با امریکا را حضور نظامی این کشور در سرزمین مقدس مسلمانان و جنایات صهیونیست ها علیه فلسطینی ها عنوان کرده است.

بعد از اینکه شکست اتحاد شوروی در افغانستان مسجل شد و ارتش سرخ آمادهٔ خروج از افغانستان گردید، امریکا عربهایی را که در جهاد افغانستان سهم گرفته بودند تروریست(ارهابی) خواند.

اکنون سوال اصلی این است که با این گونه اقدامات چگونه باید مقابله کرد؟ آیا با سرکوب و کشتار می توان از این اقدامات جلو گرفت؟

تجربه نشان از آن دارد که نوعی آسان بینی خون و آسان گیری مرگ در بخش بزرگی از جهان اسلام در حال گسترش است که پیروان آن برای گرفتن انتقام از دشمنان می خواهند به قیمت جان خود به دشمن ضربه بزنند.

رواج این روحیه حتی بر الازهر که در طول تاریخ خویش به احتیاط و محافظه کاری شهرت داشته است بی تاثیر نبود. فتوای طنطاوی شیخ الازهر در رابطه به اقدامات شهادت طلبانه که هنگام حملهٔ امریکا به عراق آنرا شرعاً تایید کرد می تواند یک مثال به شمار آید. در حالی که الازهر به خاطر همین احتیاط کاری، با جهاد افغانستان علیه تجاوز شوروی همدردی لازم را نشان نداد که گلایهٔ منظوم استاد خلیل الله خلیلی از الازهر شاهد این ادعاست.

بدون تردید اقدامات ناعاقبت اندیشانهٔ گروه های تندرو بیش از این که به دشمنان خسارت وارد نماید، ضربه اصلی را به اسلام و مسلمانان وارد می سازد. بنابراین در این رابطه نقش علمای دین در روشن ساختن اذهان مسلمانان بخصوص نسل جوان بسیار مهم است تا آنان هر نیت را با عواقب احتمالی آن یک جا مورد دقت قرار دهند نه این که فکر کنند که چون خود در اقدام خویش درجهٔ شهادت می یابند برای شان مهم نیست که در جهان بعد از آنان، مسلمانان نتیجهٔ اعمال آنها را با چه بهای گزافی باید بپردازند.

راه ساده اما بی اثر تبلیغات دولتی به شکلی است که بدون پرداختن به ریشه های این بحران فقط به این سخنان اکتفا شود که این کار مخالف با اسلام است، اما راه موثر، بررسی این بحران به کمک علمای دین به شکل ریشه یی و علمی آن ست. جای تردیدی نیست که اقدامات تروریستی با تعالیم اسلام هیچ گونه همخوانی ندارد ولی آنانی که مردم را به این کار فرا می خوانند، انگشت روی عقده ها می گذارند.

درفیلم مستندی که القاعده در افغانستان تهیه کرده بود و از طریق اینترنت نیز انتشار یافت، یک بخش آن اختصاص به جنایاتی دارد که علیه مسلمانان در کشور های دیگر به خصوص در فلسطین صورت می گیرد و در هر بخش تصویر اسامه در حالی که در رابطه با موضوع سخنان مهیجی بر زبان می آورد، دیده می شود.

بخش دوم که راه حل را پیشنهاد می کند صحنه های آموزش افراد القاعده را در آموزشگاه نظامی الفاروق در جنوب قندهار نشان می دهد. یعنی راه حل دیگری جز خشونت به جواب خشونت وجود ندارد.

اما علمای دین و آنانی که با این اقدامات مخالف ند مواجه با یک تنگنای بزرگ اند. آنها در تبیین این حقیقت که چگونه اقدامات گروه های تندرو به نفع دشمنان اسلام تمام می شود مجبور ند حقایقی را بی پرده بیان دارند که در آن بسیاری از عملکرد های قدرت های بزرگ و رژیم های حاکم بر بسیاری از کشور ها زیر سوال می رود. تبیین حقایق به این شکل این خطر را دارد که شخص را حتی در مضان اتهام جانبداری از تروریسم قرار دهد. به این ترتیب راه آنانی که معتقد به دور اندیشی در مورد نتایج عملند، بی رهرو مانده است.

در سالهای اخیر امواج تلویزیون ماهواره یی امکانات بهتری را برای ایجاد تماس در سطحی وسیع فراهم آورده است که از آن می توان در جهت روشن ساختن قضایا و کاهش خشونت ها استفاده کرد اما این شبکه های تلویزیونی وابسته به منابع تمویل کنندهٔ خویش است و همدیگر خود را به ایجاد تفرقه در میان کشور های اسلامی متهم می کنند.

و در اخیر باید به این نکتهٔ اشاره نمود که انتظار جلوگیری از اقدامات تروریستی در سطح جهانی را نباید فقط از مسلمانان داشت. اگر امنیت جهان برای همه جهانیان اهمیت دارد، همه باید در این رابطه احساس مسئوولیت نمایند و در آن سهم بگیرند.

تروریسم در قدم اول نیازمند تعریف شدن است. اما در حالی که جنگ بزرگ بر ضد تروریسم در سطح بین المللی براه انداخته شده، است تعریف دقیقی از این پدیده ارائه نشده است زیرا تعریف تروریسم با اهداف و منافع بعضی از کشور ها و قدرت ها مغایرت دارد. به همین علت اقدام یک فلسطینی علیه یک اسرائیلی عمل تروریستی است ولی اقدام مشابه یک اسرائیلی علیه یک فلسطینی دفاع مشروع از خود به شمار می رود.

در اسلام جهاد و اقدامات تروریستی کاملا ازهم جدا و متمایز است و این دو را نمی توان با هم مخلوط کرد اما این که بعضی از گروهای تندرو در جهان اسلام بین این دو فرق قایل نیستند در حقیقت برداشتی غربی از این مفهوم در ذهن دارند نه برداشت اسلامی. و آن این که، نمی خواهند با ارائهٔ یک تعریف مشخص، خود را در حصاری از مرز و حدود محصور سازند و برای خود محدودهٔ عمل ایجاد کنند. درست همانگونه که در غرب معمول است.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره بیست وهفتم چهارشنبه ۳۱ ثور ۱۳۸۲ - ۲۰ ربیع الاول ۱۴۲۴ - 21 May 2003

اتحادیه آزاد ژورنالستان افغانستان ایجاد گردید

۲۲-۲۴ ثور

اتحادیه آزاد ژورنالستان افغانستان به اشتراک عده چشمگیری از ژورنالستان کشور و ناظرین بین المللی د ر بالروم هتل انتر کانتیننتال ایجاد گردید.

کمیسیون ایجاد اتحادیه آزاد ژورنالستان پس از پنج ماه فعالیت برگزیده شدند.

در جلسات دو روزه ژورنالستان علاوه از نمایندگانی از ولایت کشور، عبدالحمید مبارز معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ، مارتین هادلو نماینده یونسکو، مایک دوبی نماینده فدراسیون بین المللی ژورنالستان و نمایندگان موسسات آرتیکل ۱۹، امپکس ، فرید حمیدی نماینده سازمان افغانستان ایجاد گردید که ۲۶ تن از ژورنالستان را در بر می گرفت.

طی دو روز نشست ژورنالستان کشور پیرامون عملکرد مستقل این اتحادیه و نحوه گزینش ژورنالستان آزادانه به بحث و تبادل نظر پرداختند.

در دومین روز نشست که حدود آقای فرید حمیدی از کمیسیون حقوق بشر ، ولی هاشم از موسسه USAID و آقای گرانت از انستیتیوت دموکراسی و دو تن از ژورنالستان افغانستان بر گزار گردید، رئیس و نه تن از اعضای شورای اجرائی اتحادیه را برای مدت شش ماه برگزیدند.



آقای مبارز هنگام سخنرانی در نشست ژورنالستان در هتل انتر کانتیننتال

متداوم در نشستی به اشتراک بیشتر از دوصد تن از ژورنالستان و سایل ارتباط جمعی مرکز و ولایات کشور ، رئیس ونه تن از اعضای شورای اجرائی این اتحادیه با انتخابات آزاد و سری مستقل حقوق بشر افغانستان و تعدادی از ژورنالستان معروف کشور اشتراک داشتند.

کمیسیون ایجاد اتحادیه آزاد ژورنالستان افغانستان سال گذشته در پی دوجلسه بزرگ ژورنالستان دوصد و پنجاه تن از ژورنالستان اشتراک داشتند نزدیک به ۲۰۰ تن از ژورنالستان که دارای کارت رای دهی بودند در مراسم انتخابات که زیر نظر کمیسیون موظف به ریاست در شورای اجرائی دو کرسی برای خانم ها ویک کرسی برای محصلان فاکولته ژورنالیزم اختصاص یافته است.

محصلان نماینده خود را خودشان انتخاب خواهند کرد.

بازتاب حوادث تروریستی اخیر در کشور سعودی

انفجار در یک مجتمع مسکونی امریکاییان در عربستان سعودی نه تنها در خود کشور سعودی بلکه در سراسر جهان اسلام موجب بروز نگرانی گسترده گردید. سرزمین حجاز به دلیل قدسیت خویش همیشه مورد توجه مسلمانان جهان بوده است و به همین دلیل هر ماجرای ناگوار در آنجا در ذهن هر مسلمان در هر گوشه یی از جهان تاثیر مستقیم دارد.

پرده داران حرم حتی در زمانه های قبل از اسلام نیز مسئوولیت تامین امنیت را به عهده داشته اند اما از آن جا که یکی از پنج بنای اسلام یعنی حج با امنیت در عربستان سعودی رابطه دارد، خلل در امنیت حرمین شریفین به معنی به مخاطره افتادن یک رکن مهم از اسلام تلقی می شود، لذا همه جهان اسلام باید در این رابطه توجه جدی نمایند.

تا چند سال قبل کشور عربستان سعودی سرزمین امن و صلح به شمار می آمد و حتی کشته شدن پادشاه آن کشور ملک فیصل به دست یکی از نزدیکانش ناشی از عدم تعادل روانی قاتل تلقی شد و این واقعه، ناگوار نیز اثری بر امنیت در این کشور از خود برجای نگذاشت. از حوادث دیگر ماجرای قیام (جهیمان) در سال ۱۳۵۸ شمسی در مکه، معظمه بود. قیام کنندگان پس از ناکامی اقدام شان به خانه، کعبه پناه بردند و در آن جا به دست نیرو های امنیتی دستگیر شدند.

بعد از اشغال کویت به وسیله، عراق در سال ۱۹۹۰ که نیرو های امریکایی در عربستان سعودی مستقر شدند، به نظر می رسید که ماموریت این نیرو ها بعد از آزادی کویت به پایان خواهد رسید و آنها به کشور خود باز خواهند گشت ولی ماندن این نیرو ها در سعودی بهانه یی به دست نیروهای تندرو در جهان عرب داد تا به استناد به این که حضور یهودیان و نصرانیان در این سرزمین مقدس مغایر با دساتیر اسلام است از آن برای تحریک احساسات مسلمانان بهره گیرند.

ماجرای انفجار های ضهران در نزدیکی پایگاه های نظامی امریکا که به کشته و مجروح شدن عده یی انجامید نشان داد که رهبران سعودی با مشکلات جدی از این ناحیه مواجه اند. در آن ماجرا هرچند امریکا القاعده و اسامه بن لادن را متهم شناخت ولی بعدها وزیر داخله، عربستان سعودی به طور رسمی هر گونه نقش بن لادن را در آن واقعه رد کرد.

قبل از واقعه، انفجار های ریاض، دولت عربستان سعودی که از حساسیت در مورد حضور نیرو های نظامی امریکا در خاک خود آگاه بود، مذاکراتی را با امریکا در مورد خروج این نیرو ها آغاز کرده بود.

اکنون در رابطه با انفجارات ریاض نخستین سوالی که در ذهن شکل می گیرد این است که در این ماجرا چه گروهی دست دارد؟ بعضی ها در این واقعه دست صهیونیزم بین المللی را دخیل میدانند و آنرا بخشی از دسیسه، کفار علیه مسلمین به شمار می آورند و منابع اطلاعاتی امریکا و عربستان سعودی سازمان القاعده را مسئوول این اقدام معرفی می کنند.

با توجه به وقایع چند سال اخیر در جهان اسلام و به خصوص حمله، امریکا به عراق، وقوع چنین حوادث را نمی توان به دور از انتظار دانست. این که این حملات به شکل عملیات انتحاری صورت گرفته است بدون تردید باید به جستجوی عواملی پرداخت که توانسته است چنان انگیزه، قوی مذهبی خلق نماید که عده یی را تا به حد گذشتن از جان اقناع نماید.

اگر بخواهیم در رابطه به نقش احتمالی القاعده در این جریان با توجه به سیاست های این سازمان اظهار نظر نماییم باید گفت که این سازمان به دست زدن به عملیات تروریستی بدون توجه به عواقب و باز تاب های آن برای این سازمان و حتی جهان اسلام شهرت دارد. اصولا القاعده به این نظر است که مسلمانان مکلف به جهاد اند اما این که این اقدامات در نهایت به چه نتیجه یی منجر خواهد شد به دست خدا(ج) است. فقط کافی است که یک مسلمان با نیت پاک به جهاد بپردازد. خداوند(ج) اجر نیت او را می دهد و عاقبت کارها به دست خداست.

بعد از عملیات انتحاری القاعده در تانزانیا و کینیا که سفارت های امریکا در آن هدف قرار گرفت (ابوحفص صغیر موریتانی) یکی از رهبران القاعده و مسئوول معهد الدراسات الاسلامیه، این سازمان در قندهار در این مورد معلومات داد. او در جواب این سوال که در این حملات تعداد امریکاییان کشته شده بسیار اندک بود و بیشتر مسلمانان کشته شدند گفت که نیت برادران شهید ما از این کار کشتن مسلمانان نبود. در حمله به ریاض نیز بیشترین تعداد کشته ها از مسلمانان بود.

ص ۷

از نامه های آمده

یک بام ودوهوا

اخیراً ازطریق رسانه های گروهی رهایی شصت وچهار اسیرطالبان ازسوی اسماعیل خان والی هرات نشرگردید .

عبدالحمید مبارز معین نشراتی وهمه کاره، وزارت اطلاعات وفرهنگ ازاین اقدام والی هرات برآشفته گردید وازطریق روزنامه های دولتی آرمان وانیس وحتی آژانس باختر و رادیووتلویزیون علیه اسماعیل خان به یاوه سرایی پرداخت که چراوالی هرات اسرای طالبان را بدون در نظر داشت صلاحیت آزاد نموده است. در حالی که دوسیه های این افراد ازطریق مراجع رسمی طی مراحل گردیده وتحقیقات آنها تکمیل شده است وحتی از طریق رادیوو تلویزیون حوزه جنوب غرب اعلان گردید هرکس اگر دعوا ویا ادعایی علیه این اسراء داشته باشد به مراجع عدلی وقضایی تامدت ده روز مراجعه کند. هیأت سارنوالی ودیگر ارگانها ضمن بازدید از ولایات جنوب غرب همچنان از این زندانیان وارسی نموده وپیشنهاد آزادی ایشان را کرده بودند.

خود مبارز نیز ازطریق روزنامه وتلویزیون خود شنید که در مجموع پنجصد وشصت زندانی براثر پیشنهاد هیأت سارنوالی آزاد گردید که شصت وچهارنفر هراتی شامل همین لستند.

نمی دانم چرا آقای مبارز از آزادی شهروندان افغانستان ناراض وخشمگین شده است و واویلامی کند. اما زمانی که دیگران بدون استیذان حکومت مرکزی اسرای پاکستانی را آزاد کردند لب های مبارز از هم باز نشد وسکوت اختیارکرد و ده ها موضوع دیگر که بدون اجازه دولت در ولایات صورت گرفته است. اعتراضی از آقای مبارز دربارهٔ آنها دیده نشده است پس اعتراض مبارز عنوانی اسماعیل خان تنها ازیک منبع سرچشمه می گیرد وآن دشمنی اقای مبارز بامجاهدین است.

مبارز وهمدستان اوبدانند که عربده های ایشان هرگز جایی رانمی گیرد ودر حسد و بغض وکینه خود سرانجام خواهند سوخت.